

ویژه نامه شماره دو

به اعتبار نامه سرگشاده خانواده های زندانی ، باردیگروارسی سناریو سازی رژیم اسلامی

مقاومت چهره های ماندگار کارگران و معلمان در زندان های ایران، در نفی و رد سناریوی سازی رژیم اسلامی !

امیرجواهری لنگرودی



یادداشت گرد آورنده :

درست یکماه پیش با انتشار اولین شماره ویژه نامه در معرفی مجموعه اسناد در بازشناساندن سناریو سازی رژیم و روزی نامه کیهان شریعتمداری ، سکوت رسانه ها و شبکه های بزرگ را به خوانندگان ویژه نامه شناساندم (۱)

انتشار نامه سرگشاده از سوی خانواده های زندانی: جعفر ابراهیمی، آنیسا اسداللهی، رسول بداقی، محمد حبیبی، حسن سعیدی، رضا شهابی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، کیوان مهدی، مسعود نیکخواهاظهار داشته اند: «حال با گذشت حدود دوماه، نه تنها فشار بر عزیزان ما پایان نیافته، بلکه مسئولین زندان ملاقات ما با این عزیزان را نیز ممنوع کرده اند. طی روزهای اخیر، برخورد مسئولین قضایی پرونده با ما خانواده های بازداشتی ها، پر از اهمال و بی توجهی بوده است. در عین حال، ما را تهدید می کنند که در صورت سکوت نکردن، ماجرا پیچیده تر خواهد شد...» و این در حالیست که آنان را در برابرچشمان مردمان مان، یکایک آنها را به بهانه های مختلف به جای اختلاس گران- رانت خواران- اقا زاده های پاچه خوار- دزدان و غارتگران - مفسدین و شبکه های عظیم مالی و مافیایی سپاه و بسیج که ایران را به این فلاکت انداخته اند، کیفر می دهند.

در مقابل خامنه ای در وحشتی فزاینده انگار که هراس اوضاع کنونی را دریافته است ، در آخرین نطق اش، در اعماق وحشتی فراگیر، فرمان بازگشت به دهه شصت و سال سیاه ۱۳۶۰ را صادر کرد!

هانا آرنه با بیان اینکه حاکمیت های توتالیتر برای حفظ سیستم یا نظم سیاسی مستقر همواره به بقای خویش به هر طریقی می اندیشند، می گوید: «توتالیتریزم در راس قدرت، همه استعداد های ناب را بدون هیچ اعتنایی از سرکار بر می دارد و به جای آنها عقل باختگان ، جاهلان و بی خردانی را می نشاند که همان بی عقلی بهترین تضمین وفاداری ابدی شان است . این افراد در راستای نیازها و خواسته های حاکم اقدام به دروغگویی در هر حوزه ای می کنند و حتی می توانند واقعیاتی را که بدیهی می نماید وارونه جلوه دهند و نام حقیقت بر آن بگذارند زیرا این اتفاق نشأت گرفته از قدرت

ماورایی رهبر در پیش‌بینی و پیشگویی بحران‌هاست». وی همچنان تاکید می‌ورزد: «از آنجایی که حاکمان توتالیتار خواهان کنترل کامل هستند، تمایل دارند بر بروکراسی‌های شدیداً از کار افتاده ریاست کنند زیرا برای آنان وفاداری مهم است نه عملکرد یا کارایی.» نطق اخیر خامنه‌ای به بیانی بازگشت به کهنه انگاری و فرارویی به خویشتن امام ره، به اعماق دهه شصت را در سر می‌پروراند. انگاری وی در سر همان جهالتی را می‌جوید و می‌یابد که یکبار تکرار شده و از دل آن چهره‌های دژمی همچون: محمدی گیلانی - لاجوردی - خلخالی - مداحانی همچون آهنگران سر برافراشتند تا با صوت خویش راه را برای خود اتکایی خمینی یعنی جنک که آنرا " نعمت " می‌پنداشت، هموار کنند، امروز بار دیگر با آفرینش بازجویانی دژم‌تر از آن گذشتگان، به تکرار آن گذشته می‌اندیشند و هوار می‌زنند که «خداوند سال ۶۰ همان خدای امسال است». این در حالیست که برای نسل ما، دهه ۶۰ از سیاه‌ترین دوره‌های تاریخی ایران است که با کشتار پیوند خورده است. همان است که علی خامنه‌ای، بی‌هیچ‌گزندی از این همه افت و خیز موجود در جامعه که کمتر شکی در اصالت اعتراضات زنجیره‌ای و تجمعات خیابانی خصلت بندی ممتدی به خود گرفته تجلی می‌یابد. و ما شاهد دور جدیدی از اعتراضات در جنوب و بخش نفتگران هستیم. خوزستان همچنان پیش‌تاز این اعتراضات است. در مقابل دستگیری‌ها همچنان ادامه دارد. در مقابلش مقاومت و ایستادگی نیز نمود عینی‌ترین به خود گرفته است که خصلت‌نمای آن اعتصاب غذای‌های ممتد در درون زندان‌ها است. از همین روست که خامنه‌ای برای مبارزه و سرکوب همه وجوه تغییرات بنیادین در جامعه ایران، خدای دهه ۶۰ را به قوه قضائیه فرا خواند تا احتمالاً آماده تکرار کشتارهای تاریخی این دهه در سال‌های نخستین سده ۱۵ باشد که خلیفه‌گری بر بارگاه کبریایی‌اش به نمایش می‌گذارد. خدایی که امام مرگ خمینی و روحانیون حاکم بر ایران در آن دهه خونین، با توسل به آن هزاران نفر را در زندان‌ها قتل‌عام کردند و با داغ و درفش مخالفانشان را از پا درآوردند. هر تابستانی یاد آور آن دهه خونین ۶۰ از سیاه‌ترین دوره‌های تاریخی ایران است که سراسر با خون، کشت و کشتار و اعدام و حذف‌ها و برخوردهای خشونت‌بار پیوند خورده است. برتاریک تاریخ معاصر نوشته شده غلیبرغم اینکه جنایتکاری چند رخت بر بستند ولی با گذشت بیش از سه دهه از آن زمان، خیلی از همین مقام‌های فعلی و قبلی جمهوری اسلامی چندان تمایلی ندارند درباره جزئیات آن کشتارها حرفی بزنند و تا آنجا که توانسته‌اند سعی می‌کنند آثار این جنایت خون‌بار را از بین ببرند. وقیع‌ترین آنان قاضی مرگ، ابراهیم رئیسی که دقیقاً سال گذشته با ماشین رای و حمایت و برنامه‌ریزی پیدا و پنهان تیم خامنه‌ای بر مستند قوه مجریه تکیه زد، یکی از مهمترین بازیگران آن دهه در کشتارهای هدفمند دهه خوبار شصت و تابستان خونین ۱۳۶۷ در ترکیب " هیئت مرگ " بوده است.

امروز ما در زندان های ایران شاهد چه نوع کشاکی هستیم ؟

انتشار نامه سرگشاده خانواده های زندانی نشان می‌دهد که آنان نگران چه وضعیتی هستند. آنان در نامه خود رو به افکار عمومی جامعه ما و جامعه جهانی نوشته اند: «... حال با گذشت حدود دوماه، نه تنها فشار بر عزیزان ما پایان نیافته، بلکه مسئولین زندان ملاقات ما با این عزیزان را نیز ممنوع کرده‌اند. طی روزهای اخیر، برخورد مسئولین قضایی پرونده ما با خانواده‌های بازداشتی‌ها، پر از اهمال و بی‌توجهی بوده است. در عین حال، ما را تهدید می‌کنند که در صورت سکوت نکردن، ماجرا پیچیده‌تر خواهد شد.

چرا دست از اذیت و آزار کارگران و معلمان و اعضای خانواده‌شان بر نمی‌دارید؟ چرا این نمایش بی‌شرمانه را پایان نمی‌دهید. چرا نمی‌خواهید بفهمید که دیگر این دروغ‌ها خریداری ندارد؟...»

خبرهای رسیده از زندان معلمان و کارگران بیانگر آن است که دو سوی رابطه از یکطرف بازجویان و شکنجه‌گران در کارند و از سوی دیگر استوانه‌های ایستادگی و مقاومت در سیمای فرهنگیان یعنی خانم‌ها مژگان باقری و هاله صفرزاده و ... آقایان: رسول بدایق - جعفر ابراهیمی - محمد حبیبی - اسکندر لطفی - اسماعیل عبدی - و عجیب آنکه مسعود نیکخواه و شعبان محمدی از زندان سنندج به زندان اوین تهران برای عملیاتی کردن سناریوی ساخته شده انتقال می‌دهند و ... کارگران زندانی و حامیان آنان همچون: ریحانه انصاری‌نژاد فعال کارگری - رضا شهابی و حسن سعیدی از چهره‌های شناخته شده سندیکای کارگران شرکت واحد تهران - آنیسا اسدالهی و کیوان مهدی و سپیده قلیان از حامیان کارگران و یان اواخر با دستگیری واله زمانی فعال کارگر ساختمان... باری همچنان در زندان و زیر تیغ بازجویی و مقاومت اند و روزگار می‌گذرانند و پا پس نمی‌نهند!

خبرهای منتشره درباره معلمان مؤند این است که حکم زندان پنج ساله رسول بدایق قطعی شده و از طریق وکیلش آقای رامین صفرنیا آمده است: «امروز - ۱۱ خرداد ۱۴۰۱ - حکم تجدیدنظر موکلم رسول بدایق از شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر ابلاغ شد. حکم بدوی تایید گردید. بابت اجتماع و تبانی به مدت چهار سال حبس و فعالیت‌های تبلیغی به یک سال حبس،

همچنین منع خروج از کشور و منع اقامت در تهران و استان های هم جوار به مدت دوسال محکوم شد. قابلیت اجرادارد.

درباب جعفر ابراهیمی بازرس شورای صنفی فرهنگیان کشور و محمد حبیبی سخنگوی کانون های صنفی معلمان ایران در کاتال تلگرامی کانون صنفی آمده است: «تداوم بی قانونی با وجود تأمین وثیقه‌ی ۷۰۰ میلیون تومانی از آزادی جعفر ابراهیمی!» و افزوده شده است: «قرار بازداشت جعفر ابراهیمی بدون زمان مشخص و به طور غیر قانونی تمدید شده است و با وجود اتمام بازجویی ها در هفته ی گذشته، مجدداً بازجویی از جعفر ابراهیمی به قصد فشارهای بیشتر روی این فعال خوشنام صنفی از سر گرفته شده است. در عین حال از شنبه هفتم خرداد تماس او با خانواده نیز قطع شده است و یا درباره محمد حبیبی آمده است: «علیرغم وعده بازپرس پرونده مبنی بر آزادی موقت محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان با تودیع قرار وثیقه، دیروز چهارشنبه ۱۱ خردادماه، قرار بازداشت وی به مدت یک ماه دیگر تمدید شد.»

یک شق کار برای همه ما که پیگیر وضعیت زندانیان سیاسی یاد شده هستیم، روشن است و آن اینکه: مقامات امنیتی، قضایی و اجرایی حکومت از آنجا که از هرگونه پاسخ انسانی و مسئولانه نسبت به مطالبات بر حق طبقه ما معلمان کارگران و بازنشستگان و مردم محروم و ستم دیده ایران ناتوان بوده و هستند، بیش از پیش به راه حل همیشگی شان، یعنی سرکوب، پرونده سازی، بازداشت، سناریوسازی و تشریح پخش اکاذیب و اتهامات نخ نمای امنیتی، متوسل شده‌اند. در روزهای اخیر یک بار دیگر شاهد گسترش موج دستگیری فعالین معلمان و کارگری و فعالین مدنی و هنری بوده‌ایم. همچنین شاهد موج وسیع اعتراضات از هر صنف و حرفه و از بخش های مختلف خدمات - تولیدات کشاورزی و تولیدات صنعتی و اعتلای چشم گیر آنها هستیم. مردم کارگر، زحمتکش و ستم دیده ایران علیه گرانی، فساد، غارت اموال عمومی، بی‌عدالتی‌های لجام گسیخته و نقض ابتدایی‌ترین حقوق انسانی با وجود سرکوب‌های گسترده کماکان ادامه دارند و تعداد زیادی بازداشت شده و اخبار مربوط به قتل رساندن مردم توسط نیروهای انتظامی و امنیتی گزارش شده است. این همه نتیجه‌ی سیاست های نادرست ناشی از تصمیمات دولت هایی است که هر ساله اقتصاد و معیشت مزد و حقوق بگیران را دستخوش بدترین نوسانات منفی و جبران ناپذیر کرده و فشار مضاعفی را به نیروی رنج و کار جامعه وارد می نمایند.

سناریوی بازوهای امنیتی رژیم اسلامی و روزی نامه کیهان شریعتمداری چگونه فراهم آمد؟

تا به امروز مشخص شده و دو فیلم به نمایش درآمده در شبکه های سیمای رژیم، مؤید این موضوع است که دستگاههای امنیتی نظام اسلامی دو فرانسوی را از طریق کنترل روابط دنبال کردند تا در لحظه موعود دستگیر نمایند و این اتهام را به آنها زدند که این زن و شوهر سندیکالیست فرانسوی، سازماندهنگان اعتراضات یا برای سازماندهی این اعتراضات به ایران آمده بودند و در واقع سنگین ترین اتهامات امنیتی را نثار اینها کردند. بیشتر هم آوردم: «خانم "سیسیل کولر"، معلم و عضو اتحادیه معلمان فرانسه و از طریق سندیکایش عضو فدراسیون آموزش بین المللی است. او در فدراسیون آموزش و فرهنگ سندیکای اف او فعال است. همسرش آقای "ژاک پاری" نیز عضو سندیکای اف او و آموزگار است. فعالیت های اتحادیه ای این دو نفر در فرانسه را مصداق جاسوسی برای چهارفرهنگی (رسول بدایق- اسکندر لطفی، شعبان محمدی، مسعود نیکخواه) در تهران و همچنین رضا شهابی کارگرنام آشنای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و «تلاش برای ایجاد آشوب» و «بی‌ثبات‌سازی جامعه»، بی‌معناترین اتهامات ساختگی و پرونده سازی بی معنی است که در نزد افکار عمومی ما و جامعه ترقیخواه فرانسوی هیچ جایی ندارد! زندانیان با ایستادگی و مقاومت شان و جامعه با جوشش و غلیانانش نشان دادند که سرکوب ها با وجود سناریوسازی های نیروهای امنیتی نتوانستند به هدف های خود شرمگینانه خود برسند!

این سناریو سازی ها محکوم به شکست است !

باید به خیابان روی آورد !

حاصل کلام آنکه، در مقابل این سناریوسازی نخ نما، طراحی های سوخته، باید نشان دهیم، سندیکالیست های معلم فرانسوی در زندان اوین ایران تنها نیستند! باید مجدداً به خیابان آمد برای شکستن این سناریو و دیگر سناریوهای مشابه

به مانند بازنشستگان و دیگر کارگران مطالبه گر فریاد زد . رژیم راه هرگونه مذاکره و گفتگو و چانه زنی را ناممکن کرده است. یگانه راه همبسته شدن و یگانگی نیروهای مطالبه گر در کف خیابان حاصل می آید!

همه باید پشت هم بایستند و همدیگر را برای مقابله سازمان بدهند. یکی از هدف های سرکوب و کش دادن بازجویی ها ، نیز زدن همین ایده همگرایی و همبستگی های طبقاتی درون جامعه و همبستگی های قدرتمند بین المللی است. هیچ حرکتی به تنهایی و با صبر و انتظار، پیامک زدن به نماینده دولت و مجلس فراهم نیم آید و سرابی بیش نیست . باید به سمت همگرایی های مشترک و ستاد لایه های هم پیوند برای پیگیری اعتراضات را با موج وسیعتر و متشکل تر رد شبکه های ارتباطی لایه به لایه سازمان داد و به پیش برد. در این مدت علیرغم موج وسیع دستگیرهای معلمان، تنها چیزی که از شدت سرکوب جنبش معلمان در هفته های اخیر عجیبتر است، قدرت همبستگی و همراهی فرهنگیان در مواجهه با دستگاه سرکوب است. برای مردم ما بلند شدن عکس ها و بنر های این که جای معلمان و کارگران شریف کشور در زندان ها نیست، تنها یک شعار نیست بلکه شاولون مورد پذیرش برای جنبش آزادیخواهی ایران ، زندانیان سیاسی و عقیدتی ره هر چه زودتر آزادشان کنید.

از همین زاویه باید از حق معلمان - کارگران زندانی و از حق خانم "سیسیل کولر" و همسر بازنشسته اش "ژاک پاری"، که این ملاقات را کردند ، قویا دفاع نمود و اجازه نداد که رژیم اسلامی یک تبادل نظر . یک ارتباط عادی بین فعالان کارگری کشورمان اعم (از معلمان و کارگران) شناخته شده با سندیکالیست های فرانسوی را تبدیل به امرجاسوسی و یک امر امنیتی بسازند و به آن گرا بدهند و روزی نامه کیهان حسین شریعتمداری که همواره مترصد پرونده سازی برای هر کنشگر اجتماعی است ، تا خوراک خیرسازی روزی نامه خود سازند، مورد بهره برداری قرار گیرد.

با مهری فزون: امیر جواهری لنگرودی amir_772@hotmail.com

پنجشنبه ۹ تیر ۱۴۰۱ برابر با ۳۰ ژوئن ۲۰۲۲

منبع :

(۱) - (سایت روزشمار کارگری ، امیر جواهری لنگرودی، ویژه نامه بیانیه های اعتراضی، پنجشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۱)

http://karegari.com/maghalat/2022/05/26/Vize%20_name%20_26%20Maj_AmiR.pdf

یادداشت های اشخاص :

نامه سرگشاده خانوا ده های زندانی :

به نوشته کانال تلگرامی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه آمده است: خانواده های جعفر ابراهیمی، آنیسا اسداللهی، رسول بدقی، محمد حبیبی، حسن سعیدی، رضا شهابی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، کیوان مهتدی، مسعود نیکخواه

چنان که پیشتر در خبرها آمده است، اردیبهشت ماه سال جاری، نیروهای امنیتی با یورش به منزل فرهنگیان و فعالان کارگری، بسیاری از آنان را بازداشت و به زندان اوین منتقل کردند. این بازداشتی ها، از اعضای خانواده ما و پاره های تمان بودند. به محض دستگیری عزیزان ما، شبکه های مختلف صدا و سیما با همکاری دستگاه های اطلاعاتی، پرونده سازی علیه آنان را آغاز و انواع اتهامات را به ایشان وارد ساختند. تمام علائم، از همان ابتدا، نشان از تلاش عبث دستگاه های امنیتی برای فراهم کردن اسباب افترا و تهمت داشت. از همین رو، طی نزدیک به دوماه، اعضای خانواده ما را در بازداشت موقت نگاه داشته و با انفرادی و بازجویی های مکرر تحت فشار قرار داده اند. در کجای دنیا چند معلم و کارگر زحمتکش و خوشنام را که هیچ جنایتی نکرده اند، در خیابان جوانان مردم را با گلوله نکشته اند، حق دیگران از زندگی را نزدیده اند، اختلاس نکرده اند، مال مردم را نخورده اند، سرمایه های عمومی را بالا نکشیده اند و خانه مردم را روی سرشان ویران نکرده اند، اینگونه آزار می دهند؟ جرم پاره های تن ما جز انسان دوستی و دفاع از ابتدایی ترین حقوق کارگران و فرهنگیان چیست؟ چرا عزیزان ما که به حق طلبی و دیگرخواهی زبانزد عام و خاص اند، باید طی سال های متمادی اینچنین آزار ببینند، زندانی شوند، با انفرادی شکنجه ببینند و هدف پرونده سازی های دروغین نهاد های اطلاعاتی و نمایش های شرم آور و غیرقانونی صدا و سیما قرار بگیرند؟

حال با گذشت حدود دوماه، نه تنها فشار بر عزیزان ما پایان نیافته، بلکه مسئولین زندان ملاقات ما با این عزیزان را نیز ممنوع کرده‌اند. طی روزهای اخیر، برخورد مسئولین قضایی پرونده با ما خانواده‌های بازداشتی‌ها، پر از اهمال و بی‌توجهی بوده است. در عین حال، ما را تهدید می‌کنند که در صورت سکوت نکردن، ماجرا پیچیده‌تر خواهد شد. چرا دست از اذیت و آزار کارگران و معلمان و اعضای خانواده‌شان بر نمی‌دارید؟ چرا این نمایش بی‌شرمانه را پایان نمی‌دهید. چرا نمی‌خواهید بفهمید که دیگر این دروغ‌ها خریداری ندارد؟

ما به عنوان اعضای خانواده بازداشت شدگان اخیر، خواستار توقف فوری پرونده‌سازی‌های دروغین علیه عزیزانمان و پایان یافتن بازجویی‌های مکرر و موهن و تهدیدآمیز آن‌ها هستیم. هیچ توجیهی برای تداوم بازداشت آنها وجود ندارد. تهدیدها و توهین‌های مقامات زندان و بازجوها در برخورد با بازداشتی‌ها و اعضای خانواده‌شان، مصداق بارز آزار و شکنجه است و باید فوراً خاتمه بیابد. از تمام همکاران و همراهان و نهادهای مدافع حقوق کارگران و معلمان در ایران و جهان تقاضا داریم تا ضمن دفاع از حقوق اولیه و ابتدایی این عزیزان، از مقامات جمهوری اسلامی و مسئولان قضایی بخواهند تا فوراً آنان را آزاد کنند و بیش از این آن‌ها و ما را عذاب ندهند. از رسانه‌های جمعی نیز درخواست داریم که دادخواهی و مطالبه ما خانواده‌های کارگران و معلمان بازداشتی را بدون معذوریت انعکاس دهند.

اسامی به ترتیب حروف الفبا

خانواده‌های: جعفر ابراهیمی، آنیشا اسداللهی، رسول بدائی، محمد حبیبی، حسن سعیدی، رضا شهبابی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، کیوان مهندی، مسعود نیکخواه

۷ تیر ۱۴۰۱

چاره زحمت کشان وحدت و تشکیلات

#سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

=====

خبری از قول آقای رامین صفرنیا، وکیل معلم زندانی رسول بدائی:

امروز سه شنبه ۳ خرداد برای پیگیری پرونده #رسول بدائی، وکیل این معلم زندانی رامین صفر نیا به همراه همسر آقای بدائی به دادسرای ناحیه ۳۳ اوین شعبه دوم بازپرسی مراجعه نمودند اما اجازه ورود به پرونده به وکیل داده نشد.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم کردن این رویه غیر حقوقی انتظار دارد که دستگاه قضایی با رعایت حقوق متهم مندرج در قوانین، شرایط برگزاری دادگاه عادلانه و بی طرفانه کنشگران صنفی را فراهم آورد.

[@kashowra](https://www.kashowra.com)

=====

پیام اسماعیل گرامی از زندان: تیر حاکمیت باز هم به سنگ خواهد خورد

اسماعیل گرامی، کارگر بازنشسته زندانی در زندان تهران بزرگ با انتشار پیامی در رابطه با سناریو و پرونده سازی های امنیتی برای فعالان صنفی کارگران و معلمان گفته است که همانگونه که حاکمیت نتوانست در تخریب شخصیت فعالینی چون اسماعیل بخشی و سپیده قلیان با تمام آن شکنجه ها موفقیتی کسب کند، در رابطه با این فعالین بازداشت شده نیز تیرش به سنگ خواهد خورد.

متن کامل این پیام در زیر آمده است:

درده اول پس از انقلاب، تقریباً اکثریت مردم زحمتکش به حاکمیت اطمینان و اعتماد داشتند. سختی های زندگی را به جان خریدند تا حکومت خواسته ها و امیدهایی را که برای آن به پا خاسته بودند، را بر آورده کند.

حاکمیت از این اعتماد مردمی آن چنان سوء استفاده کرد به طوری که هرکسی کمترین اختلاف نظری با نظام داشت را با برچسب هایی چون ضدانقلاب، مفسد فی الارض، طاغوتی و یا جاسوس آمریکا، انگلیس، اسرائیل و شوروی سرکوب می کرد.

حکومت با ایجاد رعب و وحشت و با همین برچسب ها هرگونه اعتراض حق طلبانه ای را در محیط های کار (کارخانه ها، دانشگاه ها، مدارس، بیمارستان ها و اداره ها...) توسط عوامل خود در نطفه خفه می کرد.

با گذشت زمان حکومت نشان داد که نه می تواند و نه می خواهد به مطالبات مردم پاسخ دهد در نتیجه وجهه خود را از دست داد و دیگر از اعتماد و اطمینان سالهای اول انقلاب خبری نبود و نیست.

درچنین شرایطی اعتراضات خیابانی بارها در شهرهای مختلف کشور شکل گرفته و ادامه دارد (هرچند حکومت آن ها را کار اشرار و عوامل خارجی می داند!).

اعتصابات کارگران ، معلمان ، کادر درمان و کارمندان هر روز بیشتر گسترش پیدا کرده و درکنار سرکوب همیشگی ، درچند ماه گذشته حاکمیت به جای پاسخ به خواسته های کارگران و معلمان تعداد زیادی از فعالان را دستگیر و بازداشت کرده است.

دراین رابطه ، حکومت برای رهایی از استیصال چندین ساله خود دست به نمایش نخ نما شده و مضحکی زده است و تلاش دارد با سلاح زنگ زده ی دهه اول انقلاب این فعالین را عوامل و جاسوسان کشورهای بیگانه معرفی کند.

دراین راستا صدا و سیما مثل همیشه وارد میدان می شود و با وقاحت تمام تلاش می کند به اشکال مختلف این طرح را به خورد مردم دهد حال آنکه مردم حتی حقیقتی که از صدا و سیما مانند(ماست سفید است) پخش شود را با شک و تردید می پذیرند.

ارتباط و اعتماد بین فعالین صنفی با همکاران خود به قدری تنگاتنگ و از روی آگاهی و شناخت کامل می باشد که هیچ نیرویی نمی تواند به آن خدشه ای وارد و موجب تفرقه بین آنان شود و وقتی یک برنامه آبکی تلویزیونی تلاش می کند این فعالان را جاسوس معرفی کند! کسی این خزعبلات تکراری را باور نمی کند.

همانگونه که حاکمیت نتوانست درتخریب شخصیت فعالینی چون اسماعیل بخشی و سپیده قلیان با تمام آن شکنجه ها موفقیتی کسب کند، در رابطه با این فعالین بازداشت شده نیز تیرش به سنگ خواهد خورد.

اسماعیل گرامی
کارگر بازنشسته
زندادان تهران بزرگ
۱۴۰۱/۰۳/۰۴

سه مشکل، سه راه حل : علی سهرابی

به نظر استالین "مرگ یک نفر تراژدی است اما مرگ هزاران نفر داده‌ی آماری به‌شمار می‌رود."

دستگیری، پرونده‌سازی و زندانی کردن یک معلم به خاطر دفاع از حقوق قانونی اش فاجعه‌ای غم انگیز است. ادامه و ارتقای آن به صدها نفر نیز نه تنها عمق فاجعه را کم رنگ نمی کند بلکه دست یازی به ساحت و زندگی آنان را همچون یک اپیدمی رواج می دهد و یاس و ناامیدی و خشونت عمومی را فزون می کند و به یک داده‌ی آماری فاجعه‌بار می رسیم. که نمونه‌های دیگر آن در جامعه نیز به چشم می خورد. از قبیل؛ کشتن کولبران، برخورد با کارگران، احضار فعالان مدنی و مرعوب نمودن دانشجویان و ...

به نظر می رسد، پاسخگو نمودن نهادهای نظارتی در برابر اعمال گاهاً فراقانونی شان، مهم ترین فاکتور جهت رعایت حقوق شهروندی در جامعه باشد. اکنون پرسش و بُن بست‌ی که در این رابطه موجود است اینکه؛ اگر نهادهای نظارتی و امنیتی ظلم و خلاف و اخلاف ایجادکنند، باید کجا درموردشان تظلم خواهی نمود؟! چون در طی این سالیان مسبوق به سابقه نبوده در قبال مثلاً ، حرکتی افراطی و بعضاً فراقانونی، حتی ماموری را وادار به عذر خواهی نمایند و از معلمان یا مردم دلجویی نمایند. مصداق این نابرابری در پاسخگویی، دیالوگ مشهور جرج اورول است:

"همه‌ی انسان ها برابرند ولی بعضی برابرترند."

عدم پاسخگویی بعضی از این نهادها به مطالبات مشروع آحاد مردم، خصوصاً معلمان و رعایت قانون اساسی (اصول ۱۵، ۲۶، ۲۷، ۳۰ و ...) که بالاترین مرجع است، پاشنه‌ی آشیل وقایع و جریان های صنفی و اجتماعی کشور و دلخوری معلمان، دانش آموزان و اولیای آنان محسوب می گردند و تقابل در جامعه را افزایش داده‌است. پابند بودن نهادهای نظارتی به قانون و احترام به حقوق مردم و رعایت عدالت و انصاف تنها انتظار مردم است.

طبق آمار سال ۱۳۹۵ کمیسیون آموزش مجلس، قریب به ۲۰ نوع مدرسه غیرعادی در آموزش و پرورش کشور وجود دارد. از مدارس کپری سیستان و بلوچستان گرفته و مدارس هیئت امنایی کردستان و تیزهوشان تهران تا نمونه دولتی شیراز و غیرانتفاعی تبریز و مدارس شاهد و ایثارگران و مدارس علوم دینی و... در نقاط مختلف ایران.

لازم است جهت تبیین عدالت آموزشی، این مدارس همگی به نوع عادی برگردند و شهریه‌ها نیز حذف گردند تا فرزندانمان از آموزش رایگان که حق مسلم آن هاست برخوردار گردند و بازاری کردن آموزش تعطیل گردد.

برخوردهای قهرآمیز مستمر و متعدد با معلمان در سالیان متمادی نشان داده که صورت مساله پاک شدنی نیست و بایدمسئولان راحلی منطقی از طریق دیالوگ با این طبقه‌ی اندیشمند برقرار نمایند. حذف معلم امکان ندارد. حذف معلم از معادلات صنفی و اجتماعی یعنی تعطیلی نظام آموزشی. پرواضح است این امر شدنی نیست و محال است. پس توصیه می گردد جهت برگرداندن آرامش و اعتدال و برقراری دیالوگ و آشتی به جامعه‌ی آپ کشور ابتدا ؛ تمامی پرونده‌سازی ها علیه معلمان خاتمه یابد. سپس معلمان به‌ناحق در بند، آزاد شوند. آنگاه معلمان و نمایندگان واقعیشان در جلسات شور و مشورت و برنامه‌ریزی و تصمیم گیری های وزارت خانه و استان و شهرستان ها دخیل گردند. همچنین بررسی معضلات کاری و حقوقی و امورمختلف معلمان به وزارت آموزش و پرورش سپرده شود نه نهادهای امنیتی و...

آن وقت برکات آموزشی، پرورشی و اجتماعی و... آن برهمگان آشکار خواهد گردید و کشتی طوفان زده‌ی آموزش و پرورش به‌ساحل امن لنگر خواهد زد.

پی_نوشت

پیشرفت آموزش و پرورش = پیشرفت جامعه

kashowra@

آرام فتاحی: برای اسکندر، جنبش معلمان ایران و سوران، سخنگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران:

دل به دریا بزن رفیق!

خودم را میگویم اسکندر جان، یا همان "سوران" خودت!

همان اول بگویم، از تو و بازجوهایت (کارشناس ها!) چه پنهان،

دلم برایت لک می زند، برای همه‌هتان؛ کاش این نامه به دستت می رسیده، ما همه چشم انتظار شماها نشسته‌ایم. جای خالی‌تان با هیچ چیزی پر نمی شود، نه آواز، نه پیک های یک به یک، نه کوه رفتن، جمع شدن، خاطره، خاطره را بگو، چقدر پر شده است از شماها. آنها چه خیال کرده‌اند! مگر ما آن بید سُستیم که با هر بادی بلرزیم!

رفیقان جان، اسکندر، شعبان، مسعود، جعفر، ... جانمان به جانتان بند است. میدانم آنجا آنقدر هم آسان نیست، خیلی وقته که آسان نیست، هرگز نبوده است، برای ما هم که بیرونیم آسان نیست! اما "بگذار برخیزد مردم بی لبخند".

آوازهای کوردی را دیگر دوست ندارم بی تو مرور کنم، تکه کلام هایت در گوشم زمزمه می شوند، ورد زبانم شده‌اند "ناخر بهش بگمنی" (تکه کلامشه!) زود باش بیا بیرون، رفیق جانم، سربلند و با استقامت بیا بیرون، مثل همیشه. اسکندر جان، باور ندارم، شما آنجا باشید و ما اینجا دور از هم، اما دلمان که به هم نزدیک است نه؟

نمی دانم آیا آنجا تو و کاک شه‌عبان و ره‌سول و مسعود صدایتان به هم می رسد یا نه، اما صدای شما به همه رسیده است. همه‌جا حرفِ حرفِ شماست، صدای شما، خاطره و یادتان. اینجا خبر خاصی نیست، گشنگی و قحط سالی، گلوی همه را گرفته است، خبر تنها خبر شماست، در همه جا پیچیده است، که مگر دوست داشتن شکوفه و بهار بر سر شاگردان روستا و بچه‌های محلات حاشیه جرم است؟

اسکندر راستش را بگو! شما چه جرمی مرتکب شده‌اید که اینگونه کمر به کشتن مه‌رتان بسته‌اند؟! نان چه کسی را برده‌اید؟ پدر چه کسی را کشته‌اید؟ مگر سوگند را به نوک قلم یاد نکرده بودید؟ نمی شود رفیق! اینگونه نه! دلمان سخت

گرفته است، "حال همه ما خوب است اسنکدر، اما تو باور مکن!" بله دنیای عجیبیست، بی سروته، ما باید خبر حالمان را به شما بگوییم، نه شما به ما!

راستی، خبرت هست بهاران خجسته است؟ در می زنده، بی پروا!

شما بر می گردین، با مردمی بسیار، و انسان هایی که هرکدام گلی بر سینه هایتان می زنند، می بینید رفقا؟ چه جوان هایی... چه جوانانی بسیارشان هنوز صورت عشق را بر سینه نفرشده اند.

چه جانانی...

خیابان را می گویم!

۹ خرداد ۱۴۰۱

[@kashowra](https://www.kashowra.com)

از : عزیز قاسم زاده رودسری : فضیلت شجاعت در مصاف با رذیلت دنانت برای اسنکدر لطفی سوران کنشگران ایران و سخنگوی شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران:

اسنکدر لطفی فضیلت های بسیار دارد که هرکدامش می تواند آموزه ای آموزگارانه برای ما باشد. دغدغه مند است. به تقریر حقیقت سخت دلبسته است. مسالمت را در خدمت صراحت توأمان دارد. دودوزه و وسط بازیست. برای منافع جمعی معلمان و زحمت کشان از هیچ تلاشی خسته نمی شود. هم از فضیلت درایت بهره ای تمام دارد و هم از عنصر شجاعت نصیبی بسیار به تعبیر مایا آنجلو شاعر، خواننده و فعال حقوق مدنی سیاهپوست آمریکایی: «شجاعت از همه فضیلت ها مهم تر است زیرا بدون شجاعت به هیچ یک از فضیلت ها نمی توانید به طور مستمر عمل کنید.» سوران این نکته را به درستی درک کرده است. شجاعت در اینجا مراد کارهای بی باکانه بدون پشتوانه نیست. مراد از شجاعت تصمیم هایی است که باید آگاهانه گرفت و برای آن پایمردی و ایستادگی به خرج داد. سوران بدین معنا در طول دوده همواره برای ایده های صنفی چنین عمل کرده است. دغدغه او و دیگر کنشگران صنفی بازداشت شده چون جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، رسول بدایقی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه و دیگر فعالان صنفی، برای آموزش پرورشی غیر خموده، ناوبران و توسعه گرا بوده و در این مسیر مطالبات مطروحه خود را همواره در چارچوب قوانین موجود مطرح کرده اند. برای اصل ۳۰ و احیای هرچه در طبق تلاش داشته اند، به میان میدان کشیده اند. نام سوران و موصوفش بر صفش متصف و گره خورده است چه او را اسنکدر بنامیم و چه سوران هر دو درست می آید او اسنکدر کنشگران صنفی ایران است چه که یاری کننده همه درمندان صنفی در هر نقطه ای بوده است و سوران کنشگران صنفی است که مرغ خوش نوای این بستان است تا که سخنگوی شورای هماهنگی با نظر تشکل های کشوری برگزیده گردید. امروز اما این سخنگوی خوبیگوی خوبرو، زبان بسته به کنج محبس و لب از طعام گرفته در اندرون قفس، برای ظلمی که بر او می رود، با قمار جان خویش، حق پایمال شده خود را فریاد می کند. شگفتا که در سرزمین ما «بنگاه بانگ و رنگ» بر خلاف اصل ۳۷ قانون اساسی که تصریح دارد: «اصل، برانست است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» او و رسول بدایقی و شعبان محمدی و مسعود نیکخواه را به صرف دیدار با دو تن از آموزگاران عضو ilo به اتهامات بی اساس متهم می کنند و برای راست نشان دادن دروغی که ساخته اند، در گام بعدی همه ی تمهیدات را برای فشار قرار دادن اسنکدر لطفی برای اعتراف علیه خود طراحی می کنند تا جایی که سوران لطفی چاره ای جز اعتصاب غذای خشک نمی بیند. جان در این سرزمین چه ارزان شده است و به تاراج سپردن قوانین چه ارزان تر

اصل ۳۸ قانون اساسی به صراحت می گوید: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.» بر خلاف این اصل اسنکدر لطفی طی یک ماه در انفرادی بوده است از حق ملاقات با خانواده محروم بوده است و اینک هم پيامی از او رسیده که تحت فشار برای اعتراف علیه خویش است و او چاره را در صلیب بردن جسم رنجورش جسته است تا حقیقت در پیشگاه مصلحتی دروغین به مسلخ نرود. امروز دفاع از سوران لطفی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، رسول بدایقی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه و وظیفه اخلاقی همه ی کنشگران صنفی است تا همبستگی جمعی معلمان بیش از پیش خود را در شرایط سرکوب کنونی به منصفه ظهور رسانند. بزرگ ترین نقض کنندگان قانون اساسی کسانی هستند که بر مصطبه ی تصمیم سازی ها تکیه زده اند. اینکه چنین رفتارهایی با کنشگران صنفی با معیارهای دینی و اخلاقی و قانونی کمترین مناسبتی ندارد، فعلا سخن ما با گردانندگان پروژهای شکست خورده نیست. پرسش کلیدی ما این است که چنین اقداماتی تاکنون چه گرهی از مشکل شما گشوده است که باز بر شیوه های شکست خورده تاکید می کنید؟ آیا سرکوب توانسته از حجم اعتراضات کم کند و یا پخش اعترافات اجباری توانسته راهی برای حل بحران ها باشد؟ در اینجا سخن بر سر حق و باطل هیچ ایده ای نیست. سخن این است که این راه نه تنها کمکی به حل بحران های فزاینده حاکمیت نکرده است، بلکه به تکثیر و تصعید روند اعتراضات منجر شده است. وقت آن رسیده حاکمیت از صرف هزینه های بسیار برای گرفتن چنین مشاوره های نادرستی که بر بحران های حکومت افزوده، دست بکشد و راه را بر مشاوران خردمندتری باز کند تا امور از معیر خرد، طی طریقی به آبادی و رهایی گشاید. اسنکدر لطفی و

دیگر کنشگران صنفی نه با چنین فشارهایی هرگز از آرمان های صنفی خود دست می کشند و نه پخش چنین اعتراضاتی هرگز افکار عمومی را به هم صدایی با اعتراف سازان می رساند. تنها راه حل ممکن و اساسی تمکین همه به قانون است. پرونده سازی ها، ارباب و زندان نه مطالبه را خاموش می کند و نه مطالبه گر را. چاره این درد را داد باید...

آنهایی که طوفان را پشت سر گذاشته اند دیگر همان هایی نیستند که پا به طوفان گذاشته اند...

چه خیال باطلی زندانی کردن اندیشه ها

معلمان زندانی

1. اسکندر_ لطفی

2. مسعود_ نیکخواه

3. شعبان_ محمدی

4. جعفر_ ابراهیمی

5. محمد_ حبیبی

6. رسول_ بدافی

7. مژگان_ باقری

8. اصغر_ امیرزادگان

9. محمد_ عالیثوندی

10. محمد_ علی_ زحمتکش

11. عبدالرزاق_ امیری

12. حمید_ عباسی

13. مهرداد_ یغمایی

14. غلامرضا_ غلامی_ کندازی

15. هادی_ صادق_ زاده

16. ایرج_ رهنما

17. نوروز_ علی_ رشیدی

صدای_ معلمان_ زندانی_ باشیم

ما_ خاموش_ شدنی_ نیستیم

اعتراضات_ سراسری_ معلمان

[@kashowra](https://www.kashowra.com)

از: صلاح آزادی / از اعضای انجمن صنفی فرهنگیان کردستان / مریوان :

#مجید_ کریمی را از سال ۹۴ می شناسم، معلمی که در طول چندسال فعالیت صنفی حتی برای یک بار هم ندیدم ، دغدغه آموزش کودکان ایران بخصوص آموزش کودکان مناطق دوزبانه را باجدیت دنبال نکرده باشد.

کنشگری او صرفاً به جهت اصلاح ساختار آموزش دانش آموزان و تعالی آموزش و پرورش و ارتقا شان و منزلت جامعه فرهنگیان کشور بود.

مجید کریمی اعتقاد راسخ به آموزش به زبان مادری برای کودکانی داشت که زبان رسمی، زبان مادریشان نیست، و همواره این خواسته صنفی را از اهم مطالبات معلمان می دانست.

نمی توان او را تنها با عنوان کنشگری صنفی توصیف کرد. آقای کریمی همواره مدافع اقشار زحمتکش، کارگران، کنشگران حقوق کودکان و حامی فعالین مدنی و دانشجویی بودند.

باور عمیق به فعالیت سندیکایی و کار جمعی، مجید کریمی را کنشگری راستین و مورد اعتماد دیگر فعالین در راستای تلاش برای تحقق خواست های جامعه مدنی بویژه در میان فعالین صنفی فرهنگیان ساخته بود.

آنکه او امروز در بند شماسست / در اندیشه فردای فرزند شماسست

بازداشت و زندانی کردن معلمان و فعالین صنفی پاسخی است به حجم انبوهی از مطالبات جامعه فرهنگیان، اما این رویه نهادهای امنیتی هیچگاه موثر واقع نشده است.

آیا وقت آن نرسیده است، به جای سرکوب جنبش عدالت محور فرهنگیان برای یکبار هم شده از خود بپرسید چه کسی و چه نهادی مسبب نارضایتی فرهنگیان شده است ؟

پاک کردن صورت مسئله فقط و فقط موجب بیشتر شدن اعتراضات ما خواهد شد، بنابراین آب را بیشتر از این گل آلود نکنید، و همکاران ما از جمله آقای مجید کریمی را بدون هیچ قیدوبندی آزاد کنید.

[@kashowra](https://www.kashowra.com)

=====

از : مراد روحی / دلالت های رادیکال جنبش معلمان ایران :

همنشینی غربی از بحرانهای چند لایه ی زیست محیطی، اقتصادی و سیاسی، جهان کنونی را به سمت فروپاشی های هولناک سوق داده است. و ما دقیقاً در آستان سقوط های مهیب قرار گرفته ایم. خوشبینی های قرن بیستمی و بویژه شغفهای نولیبرالی پسا جنگ سردی، یکی پس از دیگری اشتباه از آب درآمدند. در کمتر از دو دهه پس از آنکه مژدهی «پایان تاریخ» با کوبیدن میخ «مک دونالد» بر تابوت شوروی جشن گرفته شد، بحرانهای اقلیمی، جنگهای نیابتی و تراژدیهای آواره گان سر بر آوردند. و این ها فقط کمترین پیامد این پایان خوش تاریخ بودند. مابه ازای سیاسی این بحران ها، قدرت گرفتن موج جدید و خطرناکی از جریان های راست افراطی و در اطراف و اکناف جهان کنونی است. سرمایه داری نولیبرال، میلیونها نفر را به فقر و فلاکت کشانده است و در غیاب آلترناتیوهایی با محوریت عدالت اجتماعی و آزادی سیاسی، توده های فالکت زده روز به روز بیشتر به دامن جریانهای شبه فاشیستی و مژده های عوام فریبانه ی آن میافتند. درحالیکه درجهان شمالی، با تکیه بر ته مانده های نهادهای دوران دولت رفاه، اتحادیه های کارگری، جنبشهای فمینیستی، زیست محیطی و نیز جنبش ملت‌های بومی (ایندیجنزها) و گروههای کوئیر فعالان علیه راست افراطی مقاومت میکنند، فرم نولیبرالیسم در جهان جنوب و دیکتاتوری های عریان جهان سومی امکانات زیادی برای تشکل یابی گروههای ناراضی باقی نگذاشته است. برای مثال اگر فدارسیون ها و کانونهای صنفی معلمان در کشورهای غربی میتوانند برای هفته های اعتصاب عمومی بکنند و بدون هراس از «انفرادی» و حبسهای طولانی و «اعتراف گیری اجباری» به مقابله با سیاستهای نولیبرالی در حوزه ی آموزش عمومی بپردازند، مقاومت معلمان معترض علیه دستبردهای روزافزون رژیمهای جهان سومی به آموزش رایگان و عمومی، با چنان مشکلات نفسگیری روبه رو است که کل فعالیت صنفی را به یک جنگ عریان تبدیل میکند.

فعالیت های کانونهای صنفی معلمان ایران یکی از بارزترین نمودهای این مقاومت جمعی است. گرچه که در این جنگ عریان هزینه های زیادی به اعضای این جنبش تحمیلی شده است اما امواج بی امان این سرکوبها نه تنها خللی در اراده ی جمعی معلمان وارد نکرده است، بلکه برعکس لایه های بیشتری از معلمان را به صف مقدم این جنبش آورده است. تلاش های خستگی ناپذیر، الهام بخش و البته پرهزینه ی اعضای این کانونها، جنبش معلمان ایران را به کانون مقاومت علیه سیاستهای ویرانگر حاکم تبدیل کرده است. تاراج منابع عمومی به نفع جیب های خصوصی، عقب نشینی روزافزون دولت از حوزه ی خدمات عمومی و پیشروی خیره کننده ی آن در عرصه های «مراقبت و تنبیه»، کنترل، امنیتی سازی و جرم انگاری هر نوع فعالیت صنفی و مدنی، وضعیتی را بوجود آورده است که کمترین صداهای معترض با بیشترین

و کاری ترین اقدامات امنیتی جواب داده میشود. این هجمه های امنیتی همزمان و هم ارز است با هجوم بی وقفه و بی امان الیت/مافیای حاکم به سفره های مردم که اکنون دیگر نه سال به سال که روز به روز کوچکتر و غم انگیزتر میشود. عقب نشینی دولت از ارایه ی خدمات عمومی و رایگان، باعث شده است که آموزش در ایران به شکل ویرانگری پولی و کالایی و بنابراین طبقاتی تر بشود و دسترسی طبقه ی کارگر، قشرهای کم درآمد و مناطق حاشیه ای به این حق عمومی روز به روز محدودتر و امکان ناپذیرتر بشود. درشرایطی این چنین، نهاد آموزش دیگر نه عرصه ای برای پرورش و بالیدن، که به مکانی برای به حاشیه راندن گروههای بی درآمد و کمدرآمد و در نهایت بازتولید نظم طبقاتی موجود تبدیل شده است. پاندمی کرونا همزمان که این وضعیت طبقاتی را عیان کرد، به بحرانی تر شدن آن نیز منجر شد.

در شرایط کنونی، این کانون های صنفی معلمان است که امکانی برای مقابله ی سراسری با این غارتها فراهم کرده است. این است که الیت/مافیای حاکم نهایت تالش خود را میکند تا این جنبش را سرکوب و بیاباثر بکند و در آخرین تلاش های خود در یک سناریوسازی ناشیانه و تکراری سعی بکند تا کل این جنبش را به اصطلاح به دسیسه های بیگانگان ربط بدهد. اما این سناریونویس ها شاید از فرط خیره شدن به دوردستهای اروپا و آمریکا، توان دیدن پویایی مدرسه های دوروبر خود را از دست داده اند. در تخیالات محیرالعقول این سناریونویسها، دو معلم سندیکالیست فرانسوی قدرتی ماورایی دارند، به این گونه که آنها میتوانند مخفیانه نسخه ای انقلابی را به همراه خود به ایران بیاورند و آن را از طریق جمعی چند نفره به دست هزاران و بلکه میلیونها معلم ایرانی در سرتاسر کشور برسانند. و این بیش از هر چیزی نشان میدهد که این سناریونویس ها نه سازوکار کانونهای صنفی را میشناسند و نه شناختی از توانایی اعضای آن دارند. جنبش معلمان ایران همیشه نگاهی به همبستگی های منطقه ای و بین المللی داشته است و این یکی از صحیح ترین استرژیهای این جنبش و هر تشکل مترقی دیگری است. این نوع ارتباط ها، چنانکه از اسم آن پیداست، در راستای همبستگی و همصدایی است و هیچ چیز غیرقانونی و پوشیدههای در آن وجود ندارد. درغیاب یک دادگاه عادل، دستگاههای امنیتی میتوانند به سیاق سنت دیرین خود احکام سنگینی برای تعدادی از فعالین جنبش معلمان، که اکنون به امید میلیونهای نفر تبدیل شده است، صادر بکنند. اما چیزی که این نیروها توان مقابله با آن را ندارند، اراده ی جمعی و عمومی مردم برای مقاومت در برابر سیاستهای ویرانگر حاکم است. سیاستهای جاه طلبانه ی و جنگ طلبانه ی حاکمیت به قیمت فقیرسازی و گرسنه سازی میلیونها نفر از طبقات پایین جامعه تمام شده است. فرمهای ویرانگری مانند کولبری، سوختبری، زباله گردی، گورخوابی، و پشت بام خوابی، هزینه های مستقیم جاه طلبی ها و سیاست هایی هستند که بر اساس وهم، فوبیا و مالیخولیا تدوین شده اند و چیزی که در تدوین این سیاستها کمترین محلی از اعراب ندارد، همانا رفاه عمومی مردم است. کارد بلند غارت پس از قصابی پایین شهر، اکنون دیگر دیری است که قلب لایه های پایینی طبقه متوسط را نیز نشانه رفته است. کیست که در سالهای اخیر شاهد سقوط مهیب و «پلاسکو/متروپل» گونه ی این لایه ها بر درون مغاک آخرالزمانی جامعهی کنونی نبوده باشد. در وضعیت ترسناک کنونی، توده های سرخورده و مایوس میتوانند در غیاب یک بدیل دموکراتیک با محوریت عدالت اجتماعی، به پیاده نظام گفتمانی تبدیل بشوند که به جای توجه دادن به شرایط واقعی و مادی زندگی اجتماعی، دل این مردم گرسنه را با وعده های رنگین «من و تو»ی خوش می کند، گفتمانی که شکم های گرسنه را به نفع آرمناهای موهوم پان ایرانیستی مصادره و ظرفیت سیاسی اعتراضات برحق این مردمان سرخورده، گرسنه و خشمگین را تباه می سازد. شاید بسامد غم انگیز شادباشی که در تجمع توده های گرسنه برای روح یک قزاق تخماق به دست و یک دیکتاتور چکمه پوش، که خود از بزرگترین غارتگران قرن گذشته ی خاورمیانه بود، فرستاده میشود، فقط یکی از نموده های گل درشت این مصادره و تباه سازی باشد.

وضعیت اسفناک پیش رو در ایران نتیجه ی مستقیم نوعی از سیاستگذاری نولیبرال/توتالیتر است که رفاه عمومی مردم حتی در انتهای لیست دغدغه ها و اولویتهای آن نیز قرار ندارد. توان خرید بخش عظیمی از مردم به شکل روزافزونی در حال کاهش است و تهیه ی ابتدایی ترین نیازهای روزمره مانند نان خشک و آب سالم به دغدغه ی میلیونها نفر تبدیل شده است. و این نتیجه ی مستقیم کوبیدن الیت/مافیای حاکم بر طبل توسعه طلبی منطقه ای و تباه کردن بخش هنگفتی از سرمایه های کشور بر سر قمار بدشگون هسته ای است، قماری که ناگفته پیداست که کمترین ارتباطی با مصالح عمومی مردم ندارد. تحریم های کمر شکن همزمان که به ویرانی عمومی جامعه و بویژه مفلوک سازی طبقه ی کارگر، لایه های پایینی طبقه متوسط و البته مردمان مناطق پیرامونی کشور منجر شده است، سفرهی رنگین و بیدیلی بوده است برای الیت/مافیای حاکم برای انباشت ثروت از طریق غارت های قانونی و فراقانونی. این است که در حال حاضر شکافی طبقاتی بین الیت/مافیای حاکم و نیروهای وفادار آن با اکثریت عمومی جامعه دهان باز کرده است که در تاریخ ایران و بلکه جهان بیسابقه بوده است. بدوین تردید جامعه در مقابل این ویران سازی های ساکت نبوده است. نمونه های درخشان دی ۹۶ و آبان ۹۸ در کنار زنجیرهای از اعتراضات صنفی و کارگری در اطراف و اکناف ایران، عالیم حیاتی جامعه ای است که حاضر به تن دادن به سیاست های مرگبار حاکمیت نیست، جامعه ای که حتی ترومای جمعی سرکوب بیرحمانه ی اعتراضات آبان ۹۸ هم نتوانست آن را خانه نشین و منفعل سازد.

شرایط عمومی طبقه ی کارگر و لایه های پایینی طبقه ی متوسط در چند دهه ی گذشته در سطح جهانی بحرانی تر و شکننده تر شده است. از این حیث ایران نه یک استثنا که خود یکی از نموده های بسیار برجسته ی بی قدرت سازی و ناتوان سازی نیروی کار است. نولیبرالیسم بی مهاری که از حمایت قاطع کل بدنه ی حاکمیت برخوردار است، کل جامعه را نشانه گرفته است و به شکلی بیرحمانه در حال دریدن بافت ها و نسوج اجتماع است. سیاستهای گوناگون بی قدرت سازی نیروی کار در کنار سیاست عمومی متمیزه کردن جامعه، شرایطی را بوجود آورده است که امکان شکل گیری فعالیت های اتحادیه ای و صنفی روز به روز مشکل تر و پرهزینه تر میشود. در وضعیتی این چنین، کانونهای صنفی معلمان خواسته یا ناخواسته دیگر نمیتواند فقط حامل خواسته های صنفی باشد. کانونهای معلمان شبکه ای به معنای واقعی سراسری دارند، ارتباط آنها با جامعه شکلی بیواسط و ارگانیک دارد و یک «شورای هماهنگی»، که متشکل است از نماینده ی کانونهای مناطق مختلف کشور، به مثابه ی یک ارگان هماهنگ کننده در درون ساختار این کانونها، فعالیت مناطق مختلف به همدیگر مرتبط میسازد. بدین ترتیب این کانونهای در سرتاسر کشور یک ارتباط مویرگی با پایینترین لایه های جامعه برقرار کرده است. قطعاً این ساختار و این شبکه به آسانی شکل نگرفته است و فعالین صنفی و چهره های شناخته شده ی جنبش معلمان سالهاست که به شکلی خستگی ناپذیر مشغول متشکل کردن و فرم بخشیدن به این سازوکار سراسری بوده اند. این سازوکار ساختاری همزمان که کانونهای صنفی را به تریبونی برای صداهای متکثر مناطق مختلف ایران تبدیل کرده است، آن را نیز به متحدی بیمانند برای دیگر گروههای متعرض مانند کارگران و دانشجویان و دیگر فعالین مدنی و سیاسی بدل کرده است. گسترش سراسری و ارتباط بیواسط، در هم تنیده و ارگانیک با جامعه در پایین ترین و محله ای ترین سطح آن باعث شده است تا کانونها و انجمن های صنفی معلمان فرمی از مقاومت سراسری علیه تعرض های روزافزون الیت/مافیای حاکم به سرمایه های عمومی را نمایندگی بکنند که واجد ظرفیت های ساختاری دموکراتیک بیمانندی است: زنان مرکز ثقل این جنبش هستند و بواسطه ی فعالیت کانونهای مناطق مختلف کشور، دغدغه ی مناطق «به حاشیه رانده شده»، مانند مساله ی آموزش زبانهای غیر فارسی و بودجه ی آموزشی عادلانه برای این مناطق، به بخشی جدایی ناپذیر از مطالبات این جنبش تبدیل شده است. این گشودگی و دربرگیرنده گی، کیفیت بی نظیری به جنبش معلمان داده است: این جنبش همزمان که به متحد و هم پیمان مهمی برای طبقه ی کارگر تبدیل شده است، به مثابه ی ظرفی عمل میکند که مطالبات زنان و ملت های غیرفارس/غیرشیعه در سطحی سراسری مطرح شوند.

همبستگی سراسری، بدون حضور مطالبات گروههای خاص، به نوعی تک صدایی منجر میشود که در نهایت ساختارهای حاکم کنونی را بازتولید میکند. اما در نمونه ی جنبش معلمان، به دلیل همان خصلت ساختاری که به آن اشاره شد، همبستگی سراسری در اساس حاوی خصلتی متکثر، گشوده و دموکراتیک است که آن از تک صدایی های مردانه، پان ایرانیستی، نخبه گرا و مرکزگرا متمایز میسازد. این خصلت کثرت گرا در طول چند سال اخیر به شکل فزاینده ای در حال بسط بوده است و به میزانی که بیشتر تکوین پیدا میکند، بخشهای بیشتری از جامعه با این جنبش همدل و همداستان میشوند. حضور بخشی از فعالین کارگری و صنفی مریوان در تجمع اخیر معلمان این شهر و نیز خیابانی شدن تجمعات معلمان شیراز و پیوستن هزاران نفر از مردم شهر به این تجمع ها در یک سال اخیر گویای همراهی فزاینده ی جامعه با جنبش معلمان است. اگر امیدی عمومی و سراسری برای آینده ی کشور وجود داشته باشد، بدون تردید این امید در بطن این فعالیت ها، این هماهنگی ها و این همبستگی ها نهفته است که در دل خود جامعه و در پایین ترین سطح ممکن در حال نضج گرفتن هستند. نیروی کار شکننده، جامعه ی متمیزه و توده های به فلاکت نشانده شد میتوانند به راحتی در دام گفتمان های شبه فاشیستی بیافتند. نمونه های تاریخی این در دام افتادگی کم نیستند. در شرایط کنونی ایران، شبکه ی سراسری کانونهای صنفی معلمان میتواند به عنوان محملی برای تمرین و تکوین نوعی سیاست دموکراتیک مترقی مبتنی بر ایده ی عدالت اجتماعی و آزادی سیاسی عمل بکنند و از فروپاشی گروههای متعرض به درون سپاه چاله های شبه فاشیستی جلوگیری کنند. این ظرفیت دیری است که قیلوله ی خوش الیت/مافیای حاکم را برهم زده است. بر ماست که درمغاک کنونی، این ظرفیت را دریابیم و با همی توان به بالیدن و گشوده شدن آن کمک کنیم و فعالین صنفی را در چنگال تیز نهادهای امنیتی تنها نگذاریم.

از: کوکب بُداعی پگاه ؛ دوستانمان را تنها نخواهیم گذاشت :

همه برای یکی / یکی برای همه

حال دلم خوب نیست درست مثل آوارهای متروپل شاید کمی بدتر آنقدر که ایران بانو برایم سیاه پوشیده هوای این روزهای معلمان شرعی، شرحیه شبیه جنوب در حالی این نوشته را می نویسم که در کنار سایر دوستانم #چهارمین روز #اعتصاب_غذای تر را آغاز کردم

سرگیجه و سردرد گاهی ضعف بدن ولی قابل تحمل است در قبال رنج های یاران جان ما که نستوه مانده اند چیزی نیست

این روزها خوب یا بد؛ زشت یا زیبا خواهند گذشت. یک چمدان حرف دارم برای سرزمین مادری ام؛

برای گمشدن ماه شعبان

و به قربانگاه بردن اسماعیل

پلک های غزل گریان هستند "رفیق این روزهایمان را می گویم

ماه مغرور هم برایمان شبی پر نور در ازدحام تاریکی به ارمغان آورده؛ "رسول معلمان با لبخندی از امید در کنار جعفر دلها به استقبال محمد می رود

کاک سوران در حال نوشتن سطرهای نیک خواهیست و مژگان چشمانمان به باران های این حوالی عادت کرده اند.

کوکب بُداعی پگاه ۱۵ خرداد ۱۴۰۱

ایده

kashowra@

از : کژال کریمی همسر شعبان محمدی : «وقتی راهنما آفتاب است»

نزدیک غروب است، روی تراس خانه، غرق در تنهایی های خود، خورشید را که میان شاخ و برگ درخت انار داخل حیاط داشت انوار طلایی اش را جمع می کرد به نظاره نشسته ام. ناگهان سوسوی یک نور طلایی چشمان خیره ام را وادار به پلک زدن کرد. دوباره به نور خیره شدم، انگار می خواست چیزی بگوید. در حالیکه با خود کلنجار می رفتم، صدای لطیفی را شنیدم که می گفت دستت را بده! بی اختیار دستم را به سوی نور دراز کردم. در یک چشم به هم زدن خود را پشت نیمکتی دیدم که برایم خیلی آشنا بود. بله این همان نیمکتی بود که پشت آن الفبای زندگی را یاد گرفتم. اما من اینجا چکار می کنم!؟

اطرافم را که نگاه کردم دانش آموزانی را دیدم که در سکوتی سنگین، به تخت سیاه می نگرستند. نگاه کردم!

معلمی آنجا پای تخته بود که به بچه ها یاد می داد چگونه خورشیدی را بر تخت سیاه نقاشی کنند که خفاشان را فراری دهد. از نور پرسیدم اینجا کجاست؟

گفت سر کلاس ابوالحسن خانعلی نشسته ایم. ناخودآگاه اشک از چشمانم سرازیر شد. از خانعلی برایم گفته بودند که چگونه خفاشان ساواک تجمع معلمان را به آمریکایی ها نسبت داده بودند و در نهایت دشنه سیاه خفاشان، سینه نورانی این معلم را که دانش آموزان را یاد داده بود خورشید را چگونه بر سیاهی نقش کنند پاره کرد.

زنگ پایان کلاس به صدا درآمد، از جایم بلند شدم، بغض گلویم را گرفته بود، گفتم برگردیم، نور طلایی گفت هنوز کلاس دیگری مانده باید سر کلاس حاضر شویم. معلم وارد کلاس شد بچه ها کتابهای شان را روی نیمکت گذاشتند، معلم با صدایی دلنشین گفت کتابهایتان را بردارید امروز می خواهم برایتان داستانی تعریف کن. بچه ها همه خوشحال از اینکه قرار نیست امروز محتوای خشک کتابشان را بخوانند سراپا گوش منتظر داستان آقا معلم شدند.

آقا معلم با همان صدای دلنشین گفت بچه ها امروز می خواهم داستان ماهی پیری را که حکایت زندگی ماهی کوچولویی را برای دوازده هزار ماهی کوچولوی دیگر تعریف می کند بگویم.

بله؛ ماهی سیاه کوچولوی قصه ما....

به ناگه با شوق و ذوق سرم را به طرف نور چرخاندم گفتم این داستان خیلی آشناست.

نور با ملایمت سرش را تکان داد و گفت: آری، صمد بهرنگی است!

همان آموزگاری که حرکت کردن را به دانش آموزان آموذ. همان معلمی که یاد داد شجاعت نترسیدن نیست بلکه پیگیری آرمان ها و تحقق آنها با وجود تمامی ترسهاست. همان کسی که باعث بیداری و بیدار ماندن ماهی قرمز کوچولو شد تا استمرار مبارزه را برای دیگران به ارث بگذارد. نور گفت، حالا دیگر وقت رفتن است.

دوباره خود را در تراس خانه دیدم حالت تنهایی و دلنگی ام دیگر نمانده بود و حس عجیبی بهم دست داده بود. انگار در میان غم و اندوه و تنهایی های خود، دست هایم را به زانو گرفته و قیام کرده بودم تا از قید و بند رها شوم. سرم را بلند کردم آن نور طلایی در دور دست داشت آخرین نورافشانی های خود را می کرد. با خود گفتم بله دانش آموزانی که در کلاس خانعلی خورشید

را بر سیاهی نقش زدند همان معلمان جسور امروز هستند. ماهی های قرمز کوچولوی صمد هستند که امروز درس شجاعت و پرسشگری را به دانش آموزان خود می دهند. آری الان می دانم معلمانی را که درس پرسشگری را به بچه ها آموزش داده اند با وجود اینکه در سلولها و زندان ها در بندند اما کلاس های درس شان تعطیل نشده است. شاگردانشان آموزه های آموزگاران خود را سرمشق فرادایشان کرده اند و پرسش می کنند چرا قلم و کاغذ را از معلم سلب کرده اند آن هم در جهانی که تمام روابط اجتماعی انسان ها در آب یخ حساسگری خودخواهانه سرمایه داران غرق گشته است! چرا باید معلمی در زندان باشد هنگامی که هدفشان بازگرداندن ارزش شخصی به انسان هاست که متاسفانه در این روزگاران به ارزشی برای مبادله بدل گشته است! آری امروز آنها درس پرسشگری را هر روز و هر شب تکرار می کنند که چرا شاگردان خانگی و صمد در گوشه زندان ها هستند. این چرا و بی شمار چراهای دیگر همه ما را بر آن داشته تا درک کنیم، چگونه " تاریخ تکرار می شود بار اول بعنوان تراژدی، سپس نمایش کمدی " الان می دانیم هنگامی که راهنما آفتاب باشد نیاستی از سیاهی واهمه داشت...

خرداد 1401

@kashowra

=====

از : صفر علی رضائی (عموصفر) با عنوان : اگه شیطونی نوده بین ، سپاه شمره بازداشت نگوید نابو!

این جملهی صادقانه را از دهان یک سرباز شنیدم و برای من بسیار خوشایند بود و البته آموزنده یعنی:

"اگر شیطننت نمی‌کردید، سپاه شما را بازداشت نمی‌کرد"

و البته درست می‌گفت!

وقتی واژه‌ها معانی و ارزش خود را از دست می‌دهند، ما معلمین مطالبه‌گر، مطالبه‌گری مان شیطننت تلقی می‌گردد و تشویش اذهان و فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس!

و البته سکوت و همراهی با این همه بی‌عدالتی هم لابد ولایت‌مداریست و به تبع آن همکاری با این گسترده‌ی وسیع و لاینهایی ظلم به مردم و نادیدن این انبوه ستمگری‌ها، مستحق تشویق و ترفیع.

امروز تماسی از پلیس فتا دریافت نمودم و فی‌الوقت جهت دستبوسی خدمت رسیدم!

بیچاره عموصفر خیال می‌کرد که قرار است گوشی موبایل توقیف شده‌ام را عودت دهند ولی در کمال تحیر با اتهامی جدید مواجه شدم و آن هم متن یکی از استوری‌هایی بود که در هفته‌ی ماضی به اشتراک گذاشته بودم. همان ویدئوی شتم و ضرب غیرانسانی یک متهم که بعد از پاشیدن اسپری فلفل به صورت و چشم‌های متهم به فجیع‌ترین شکل صورت پذیرفت که بسیار آزار دهنده و مشمئز کننده بود.

مضمون استوری بنده این بود:

اجرای بی‌کم و کاست قانون جنگل!

اینجا ایران است!

اگر چه همه‌ی ما عضو فرقه‌ی "ما سیاسی نیستیم، هستیم"

پرینت در یک صفحه‌ی A4 و تقریباً سیاه که متن استوری بنده حدوداً هشت برابر صفحه‌ی گوشی‌های معمولی بود مرا بی اختیار بهیاد پرورنده‌سازی‌های حدوداً چهار سال گذشته (تحصن در مدارس لنگرود) انداخت و بیانیه‌هایی که بعد از آن منتشر نموده بودم و پیامد آن احکامی برای تنبیه و تنبیه که واقعا تاثیرگذار بود!!

پلیس فتا برخوردهای محترمانه‌ای با بنده داشتند و سوال‌هایی در قالب یک برگه‌ی بازجویی نوشتند بنده هم با صراحت پاسخ دادم که همان نظرات همیشگی و بی‌پروای خود را نگاهشتم که:

برخورد غیر انسانی آن مامور تداعی قانون جنگل است و آخر بی‌عدالتی و بی قانونی و این‌که عضو فرقه‌ی "ما سیاسی نیستیم" اشاره به انفعال و بی‌تفاوتی عامه مردم نسبت با ظلم‌های گسترده‌ی پیرامون است که موجب طغیان و سرکشی ماموران دولت می‌شود و....

مهمترین سوال به نظر بنده این بود که شما با کدام گوشی فعالیت در فضای مجازی می‌کنید و در پاسخ گفتم بیچاره دوستان و اطرافیان بنده که به صورت لحظه‌ای و بعضاً ساعت‌ها گوشی همراهشان در تصرف این بنده‌ی سراپا تقصیر می‌ماند.

و اما سوالی که حقیر پرسیدم و جوابی نگرفتم که چرا گوشی بنده به صورت غیرقانونی در توقیف سپاه لنگرود است در حالی که شما اسم پلیس فتا را بر خود نهاده‌اید و قاعدتاً این کار در حیطه‌ی تخصصی شما باید باشد.

بسیار با مهربانی بنده را مشایعت کردند و برگه‌ی بازجویی را برای تلمبار نمودن بر پرونده‌های ناقص پیشین به دادستانی فرستادند و به این ترتیب در روند پرونده سازی بنده دست کم برگه‌ای جدید اضافه گردید.

این در حالیست که عزیزانی همچون **#عزیز_قاسم_زاده_ماه‌هاست** که در انتظار دریافت احکام نهایی مانده‌اند و همکاران

#اسکندر_لطفی_#اسماعیل_عبدی_#شعبان_محمدی_#رسول_بدای_#مسعود_نیکخواه_#جعفر_ابراهیمی_#محمد_حبیبی و... در مقابل اعترافات اجباری، مقاومت کرده یا دست به اعتصاب غذا زده‌اند و عنقریب است که شاهد پخش این مضحکه‌ی نخ نما از سدا صیمای میلی باشیم.

انیوهی بازداشت‌ها در تجمعات اخیر فرهنگیان کشور و سناریوسازی علیه معلمان پیشرو و آزاده شاید بر ایند شیرینی برای نسل‌های بعد باشد اما بی‌شک به روسیاهی بیش از پیش حاکمیت می‌انجامد و بایسته است دل‌وایسان این هشدار را جدی گرفته و مسیر سقوط را شتاب بیش‌تر نبخشند.

#معلم_زندانی_را_آزاد_کنید

#جنبش_معلمان_خاموش_نمی_شود

#آموزش_رایگان

#حق_تجمع

#اسکندر_لطفی_را_آزاد_کنید

#شعبان_محمدی_آزاد_کنید

#مسعود_نیکخواه

#اسماعیل_عبدی

#جعفر_ابراهیمی

#اعتصاب_غذای_خشک

[@kashowra](https://www.kashowra.com)

- رضا شهابی ساعتی پیش در تماسی تلفنی با خانواده اش اعلام کرد که از صبح دوشنبه ۲۳ خرداد دست به اعتصاب غذا خواهد زد:

#رضا_شهابی در تماس تلفنی ساعتی پیش اعلام کرد از فردا دست به اعتصاب غذا خواهد زد. وی گفت «عمودی به زندان آمده ام، افقی هم از زندان به بهشت زهرا می‌روم».

شهابی همچنین تاکید کرد که با تمام احترامی که برای خانواده و وکلای محترم و همکاران و دوستان قائل است از فردا ۲۳ خرداد دست به اعتصاب غذا خواهد زد.

این فعال سندیکایی در ادامه میگوید: «شرایط جسمانی ام بقدری حاد و وخیم شده که در بازجویی های روز گذشته از حال رفتم و دکتر بالا سرم آوردم... اینکته نمیشود امروز به دلایل شرایط اسفباری که در جامعه وجود دارد من این جا باید پاسخگوی اعتراضات بازنشستگان و معلمان و کارگران باشم.»

رضا شهابی همچنین اظهار کرد که ما براساس روال ارتباطات متعارف بین المللی که در سندیکاها در همه جای دنیا رایج است با دو معلم سندیکایی فرانسوی دیدار کرده ایم. آنها در یک فضای عمومی و تمام صحبت ها که کلا دو ساعت بیشتر نبوده در خصوص سندیکا و مسائل سندیکایی بوده که قبلا هم سفرهایی به دعوت سندیکاهای فرانسوی به ژنو و اجلاس سازمان جهانی کار به نمایندگی سندیکای کارگران شرکت واحد داشته ایم.

تاکنون چهار عضو سندیکای کارگران شرکت واحد به نمایندگی و با رای مستقیم اعضا در این سفرها شرکت کرده اند.

«حال من دائما تحت بازجویی های پی در پی قرار گرفته ام و باید پاسخگوی تمام مسائل کارگری و سندیکایی باشم و مرتبا بازجو میگوید سندیکای غیرقانونی که اصلا چنین حرفی را هرگز قبول نداشته و ندارم و طی سالها هم به بازجویان و بازپرس ها اعلام کرده ام که فعالیت سندیکایی به هیچ عنوان غیر قانونی نیست و ایران یکی از اعضای سازمان جهانی کار است.»

«قرار بازداشت جدید را بدون اطلاع من دارند اجرا می کنند. این به معنی همان حرف بازجو است که میگوید حرف اول و آخر را من میزنم.»

«تهدیدها و فشارهای بازجو و عدم رسیدگی پزشکی و شرایط سخت سلول در اتاق های کوچک ۲۰۹ که بقدری پر و شلوغ است که هرروز باعث وخیم تر شدن شرایط جسمانی ام میشود و شرایط روز بروز برایم از نظر جسمی سخت تر میشود به همین دلایل با اعلام اعتصاب غذا از فردا ۲۳ خرداد میگویم که عمودی به زندان آمده ام افقی هم از زندان خواهم رفت.»

سندیکای کارگران شرکت واحد اعلام میدارد با تحت فشار گذاشتن رضا شهابی، جان این فعال سندیکایی را بخطر میاندازد. لذا ما از تمامی نهادهای مستقل کارگری و معلمان و نهادهای بین المللی کارگری، از جمله فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل که سندیکای واحد عضو آن می باشد، درخواست میکنیم که از این فعال سندیکایی در بند به هر شکلی که ممکن است حمایت کنید.

جان رضا شهابی در خطر است. #رضا_شهابی را فوری و بی قید و شرط آزاد کنید!

t.me/vahedsyndica

@pvsyndica

بیانیه های تشکل های کارگری :

- بی خبری از دو چهره شناخته شده سندکای کارگران شرکت واحد ؛ 1- رضا شهابی و 2- حسن سعیدی :



رضا شهابی و حسن سعیدی دو عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه نزدیک به یک ماه است در بند ۲۰۹ زندان اوین تحت بازجویی های طولانی و متعدد بازجویان وزارت اطلاعات قرار دارند و شرایط جسمانی خوبی ندارند .

این دو فعال سندیکایی بارها به دلیل فعالیت های سندیکایی و کارگری توسط عوامل امنیتی بازداشت شده اند .

رضا شهابی در سال ۸۹ در حین اینکه مشغول جابجایی مسافری بود توسط عوامل امنیتی با ضرب و شتم بازداشت گردید و سپس از سوی دادگاه انقلاب به شش سال زندان محکوم گردید که در گذراندن محکومیت قبلی دچار بیماری های متعدد گردید.

شهابی به دلیل بیماری های زمینیه ای دائما فشارخونش روی شانزده تا هجده نوسان دارد این شرایط میتواند برایش خطر ات جسمانی جبران ناپذیری داشته باشد .

سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن ابراز نگرانی از وضعیت آقای شهابی هرگونه پرونده سازی و اتهامات واهی را برای این دو عضو سندیکا بشدت محکوم میکند وخواستار آزادی این دوکارگر زندانی و تمامی دیگر فعالین دربند میباشد.

t.me/vahedsyndica

[@pvsyndica](https://t.me/pvsyndica)

- ادامه بازداشت چهارتن در زندان اوین:

- ادامه بازداشت رضا شهابی و حسن سعیدی دوتن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و آنیسا اسدالهی و کیوان مهدی از حامیان طبقه کارگر در پی سناریو سازی ها و اتهامات واهی جهت سرکوب اعتراضات معلمان و کارگران .

t.me/vahedsyndica

[@pvsyndica](https://t.me/pvsyndica)

- فوری؛ انتقال معلمان بازداشت شده در تهران #جعفر_ابراهیمی ، #محمد_حبیبی و #رسول_بدایق از بند ۲۰۹ به بند ۲۴۰ اوین و بازداشت آنها در سلولهای انفرادی :

#جعفر_ابراهیمی ، #محمد_حبیبی و #رسول_بدایق پس از ۴۵ روز بازداشت دیروز سه شنبه ۱۴۰۰/۳/۲۴ به بند ۲۴۰ زندان اوین و سلولهای انفرادی انتقال داده شدند.

این سه معلم دربند در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۱۰ قبل از تجمع روز معلم بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدند.

نیروهای امنیتی و ضابطین قضایی پس از شکست سناریوسازی های صداوسیما و روزنامه های همسو چون کیهان و ایران... برای اعمال فشار بیشتر و وادار کردن معلمان به اعتراف های اجباری، این سه معلم را به سلول های انفرادی منتقل کرده اند.

واضح است بکار بردن روشهای قرون وسطایی بر ارادهی معلمان در مسیر عدالت خواهی تاثیر منفی نگذاشته و نخواهد گذاشت.

معلم زندانی آزاد باید گردد

https://t.me/syndica_7tape

- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه : گزارش ملاقات با رضا شهابی در محل زندان اوین توسط همسرش خانم ربابه رضایی و دخترش!

رضا شهابی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد که پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت با هجوم پنج مامور اطلاعات به منزلش بازداشت شده بود ، امروز پنجم خرداد در محل زندان اوین برای اولین بار در طی بازداشت با خانواده اش ملاقات حضوری داشته است .

خانواده آقای شهابی امروز جهت تحویل لباس، های ایشان به زندان رفته بودند که با تقاضای ملاقات ربابه رضایی همسر و دختر شان موافقت گردید .

طی این ملاقات رضاشهابی اعلام کرد که تاکنون ۱۲ بار بازجویی در خصوص سفرهایی که در گذشته به نمایندگی سندیکا کرده و دیدار اخیر با دو معلم فرانسوی، داشته است.

این دیدار برخلاف ادعای صداوسیما و سناریوی ساختگی وزارت اطلاعات در یک مکان عمومی (رستوران) انجام پذیرفته است.

اساسا این دعوت صرف ادب و مهمانوازی صورت گرفته است و کاملا با آنچه سناریو تهیه شده از سوی وزارت اطلاعات به نمایش گذاشته شده، مغایرت دارد .

سندیکای کارگران شرکت واحد از اعضای آی تی اف (فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل) میباشد و این دیدارها در سطح سندیکاها بسیار رایج است.

t.me/vahedsyndica

vahedsyndica@

- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه : رضا شهابی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تحت بازجویی های طولانی و متعدد قرار دارد:

رضا شهابی از اعضای بازداشتی سندیکا که در ۲۲ اردیبهشت در منزل شخصی اش توسط هجوم پنج مامور امنیتی بازداشت شده است، طی تماس تلفنی اعلام داشته که روزانه دوبار بازجویی میشود و طولانی بودن و تعدد بازجویی باعث گردیده تا فشار خونس تا ۱۷ درجه بالا بیاید و شرایط جسمانی اش به خطر بیافتد.

این فعال سندیکایی دارای بیماری های زمینه ای از جمله فشار خون و مشکلات بی حسی یکطرف بدن به دلیل جراحی های متعدد گردن و کمر در دوران قبلی زندان میباشد و نه تنها شرایط زندان به تنهایی میتواند مشکلات جسمانی اش را به خطر بیاندازد، بلکه بازجویی های مداوم و طولانی مدت هم این شرایط را تشدید میکند .

رضا شهابی و حسن سعیدی دو عضو فعال سندیکای اتوبوسرانی هستند که با اتهامات واهی هر دو در بند ۲۰۹ زندان اوین در بازداشت موقت هستند

سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن ابراز نگرانی برای سلامتی رضا شهابی ، اعلام میدارد تحت فشار گذاشتن این فعال سندیکایی علیرغم مشکلات حاد جسمانی که دارد میتواند خطرات جدی جسمانی جبران ناپذیری برای ایشان داشته باشد که عواقب آن قطعا متوجه عوامل امنیتی و قوه قضائیه میباشد

t.me/vahedsyndica

vahedsyndica@

- خبری از تماس تلفنی با رضا شهابی در زندان اوین:

رضا شهابی امروز پانزدهم خرداد ماه در تماسی تلفنی به خانواده اش اعلام کرده، ادامه بازداشت خودش را غیرقانونی میداند و تا ۲۲ خرداد آزاد نشود دست به اعتصاب غذا خواهد زد

رضا شهابی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد که در تاریخ ۲۲ اردیبهشت توسط هجوم عوامل امنیتی در منزلش بازداشت شده است .

طی تماس تلفنی که امروز پانزدهم خرداد ۱۴۰۱ با خانواده اش داشته اعلام کرده ، اگر تا ۲۲ خرداد ماه که پایان قرار بازداشت یکماهه اش میباشد از زندان آزاد نشود دست به اعتصاب غذا خواهد زد لذا روند بازجویی از سه شنبه گذشته دیگر ادامه پیدا نکرده است و بیشتر سوالات بازجویی ها مربوط به فعالیت های سندیکایی و حمایت از کارگران، علی الخصوص همکاران شرکت واحد بوده است. بطوری که حتی بازجو ایشان را به دلیل گرفتن وکالت محضری از ۱۲۰ راننده شرکت واحد در خصوص فساد تعاونی مسکن مرکزی شرکت واحد زیر سوال برده و گفته به شما چه ربطی داشته که وکالت این تعداد از رانندگان و کارگران شرکت واحد را بعهده گرفته اید .

شهبای اعلام داشته نحوه بازجویی ها اکثرا به اتفاقات سالهای گذشته سندیکا بوده ، که قبلا در سالهای گذشته بارها درخصوص آن بازجویی شده بود و حتی در محکومیتی ناعادلانه از سوی دادگاه انقلاب متحمل شش سال زندان هم شده است و تماما قبلا درمورد سوالات پاسخ داده است .

این فعال سندیکایی بازداشت خودش را غیر قانونی میداند و اعلام کرده تا پایان قرار بازداشت یک ماهه اش که ۲۲ خرداد میباشد اگر آزاد نشود دست به اعتصاب غذا خواهد زد.

چاره زحمت کشان وحدت وتشکیلات

#سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

t.me/vahedsyndica

@pvsyndica

- نگرانی شدید سندیکای کارگران شرکت واحد از وخامت بد جسمانی رضا شهبای، که همچنان در بند ۲۰۹ زیر بازجویی های شدید بازجویان وزرات اطلاعات قرار دارد:

امروز نوزدهم خرداد ماه خانواده رضا شهبای از اعضای هیئت مدیره سندیکا با این کارگر دربند ملاقاتی کابینی داشتند.

آقای شهبای از شرایط وخیم جسمانی ابراز ناراحتی شدید داشتند بطوری که سمت چپ بدنشان بطور مرتب یا خواب میروند و یا گزگز میکند و سمت چپ صورتشان هم بی حس میشود . کمردرد و گردن درد هم از تبعات جراحی مهره های گردن و کمردرد در زندان قبلی ایشان است حدود سه ماه پیش این کارگر زندانی به دلیل سنگ کلیه چند بار مورد عمل جراحی قرار گرفته است که مدارک پزشکی اش هم موجود است با توجه به شرایط وخیم جسمانی ایشان بارها درخواست دکتر داشته اند ، اما متاسفانه مسئولین ۲۰۹ گفته اند که در حال حاضر دکتر ندارند و سرشان شلوغ است و فقط به دادن داروهایش بسنده کرده اند .

رضا شهبای درملاقات امروز اعلام داشته که دائما تحت بازجویی بسر میبرد و تا کنون ۱۸۰ برگه بازجویی تحویل داده است و بازجو دائما قصد دارد مسائلی که هیچ ارتباطی به ایشان ندارد را به این فعال سندیکایی مرتبط کند و با تحت فشار گذاشتن قصد دارد، شهبای علیه خودش دست به اقرار کذب بزند .

طبق گفته های شهبای به خانواده اش درملاقات بازجو با تهدید به ایشان گفته این جا قدرت مطلق من هستم و نه تنها آزاد نمیشوی بلکه از همین جا محکومیتی طولانی خواهی گرفت و مستقیم به زندان خواهی رفت و به هیچ عنوان به فکر قرار وثیقه و آزادی نباش ، و هرکاری هم میخواهی بکن .

این فعال سندیکایی تصمیم داشته بعد از پایان قرار بازداشت یک ماهه دست به اعتصاب غذا بزند و مصرف داروهایش را هم قطع کند که با درخواست های مکرر همسر و فرزندانش قرار شد فعلا به مصرف داروهایش ادامه دهد .

سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن نگرانی عمیق شرایط وخیم جسمانی آقای شهبای ، به زندانبان و قوه قضائیه اعلام میدارد، عواقب هرگونه شرایط وخامت جسمانی این کارگر زندانی بعهده زندانبان و مسئولین قضایی است .

سندیکای کارگران شرکت واحد رسیدگی پزشکی به زندانبان را از وظایف زندانبان میداند و خواستار رسیدگی سریع و اورژانسی به وضعیت جسمانی شهبای و آزادی بی قید و شرط ایشان میباشد.

**- بیانیه حمایتی سندیکای کارگران نیشکر هفت از دو عضو زندانی سندیکای کارگران شرکت واحد ،
رضا شهابی و حسن سعیدی :**

متن بیانیه :

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اعلام می دارد: جان هم طبقه ای ما رضا شهابی در خطر است و ما قویا نگران حال او می باشیم!

از اردیبهشت ماه و پیش از روز جهانی کارگرمسال، ما شاهد بازداشت فعالان فرهنگی و فعالان کارگری می باشیم .

رضا شهابی و حسن سعیدی دو عضو سندیکای واحد به ترتیب در تاریخ های ۲۲ و ۲۸ اردیبهشت ماه بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل گردیدند.

سندیکای نیشکر هفت تپه به همراه کارگران شرکت واحد بازداشت این دو عضو سندیکا را بشدت محکوم می کند و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط رضا شهابی و حسن سعیدی می باشد.

رضا شهابی بعد از یکماه بازداشت و بازجویی های مکرر اعلام داشته است؛ چنانچه او را آزاد نسازند، دست به اعتصاب غذا خواهد زد . بدین ترتیب رضا شهابی علیرغم وخامت جسمانی ، دست به اعتصاب غذا زده و اعلام کرده با توجه به احترامی که برای وکلایم آقایان رئیسین و تاج و تمامی همکاران و دوستان دارم. «عمودی به زندان آمده ام افقی هم به بهشت زهرا خواهم رفت.»

اعلام اعتصاب غذا این کارگر زندانی در بند ۲۰۹ زندان اوین در اعتراض به پرونده سازی ، بازجویی های پی در پی و طولانی و تهدید های بازجویان ، و شرایط بد اتاق های ۲۰۹ و عدم رسیدگی پزشکی، یعنی دردست گرفتن جان شیرین خود که یگانه سلاح هر زندانی در زندان است، مقاومت آشکار او در برابر بازجویانش می باشد که تلاش دارند پرونده ناپسی را به او منتسب نمایند.

جا دارد صدای اعتصاب غذای رضا شهابی در زندان اوین ، با توجه به نگرانی اعضای خانواده و همسر همیشه ی همراه اوخانم ربابه رضایی و همکاران وی در سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، بوسیع ترین شکل رسانه ای و مورد توجه افکار عمومی قرار گیرد . نگذاریم صدای رضای شهابی در زندان خاموش و فراموش گردد!

بیرون کشیدن اعتصاب غذا از پشت دیوارهای قطور زندان به عرصه جامعه و شکستن حصار زندانبانان و سانسورخبری، رنج و شکنج زندانی را در معرض داوری و حق خواهی مردم قرار می دهد.

ما فعالان سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، برآنیم : بازجویی و تحت فشار گذاشتن فعالین سندیکایی و معلمان و دیگر فعالان اجتماعی اعم از زنان و نویسندگان و ... نه مانع تعطیلی پیوند همگرایی کارگران، معلمان،بازنشستگان وسایر گروههای مطالبه گر مردمی در جامعه است؛ نه راه را بر استمرار اعتراضات فرهنگی و کارگران و سایر اقشار اجتماعی می بندد . جا دارد که فعالان بازداشتی به آغوش گرم خانواده و به محیط های کار خود باز گردند و همه گان از دلشوره و نگرانی در آیند.

برما فعالان سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ؛ واضح و مبرهن است بکار بردن روشهای قرون وسطایی بر ارادهی همکاران کارگر شناخته شده سندیکای کارگران شرکت واحد(رضا شهابی و حسن سعیدی) و معلمان زندانی در مسیر عدالت خواهی آنان تاثیر منفی نگذاشته و نخواهد گذاشت. و ما خواهان آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی می باشیم !

- رضا شهابی امروز پانزدهم خرداد ماه در تماسی تلفنی به خانواده اش اعلام کرده، ادامه بازداشت خودش را غیرقانونی میداند و تا ۲۲ خرداد آزاد نشود دست به اعتصاب غذا خواهد زد:

رضا شهابی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد که در تاریخ ۲۲ اردیبهشت توسط هجوم عوامل امنیتی در منزلش بازداشت شده است .

طی تماس تلفنی که امروز پانزدهم خرداد ۱۴۰۱ با خانواده اش داشته اعلام کرده ، اگر تا ۲۲ خرداد ماه که پایان قرار بازداشت یکماهه اش میباشد از زندان آزاد نشود دست به اعتصاب غذا خواهد زد لذا روند بازجویی از سه شنبه گذشته دیگر ادامه پیدا نکرده است و بیشتر سوالات بازجویی ها مربوط به فعالیت های سندیکایی و حمایت از کارگران، علی الخصوص همکاران شرکت واحد بوده است. بطوری که حتی بازجو ایشان را به دلیل گرفتن وکالت محضری از ۱۲۰ راننده شرکت واحد در خصوص فساد تعاونی مسکن مرکزی شرکت واحد زیر سوال برده و گفته به شما چه ربطی داشته که وکالت این تعداد از رانندگان و کارگران شرکت واحد را بعهده گرفته اید .

شهابی اعلام داشته نحوه بازجویی ها اکثرا به اتفاقات سالهای گذشته سندیکا بوده ، که قبلا در سالهای گذشته بارها درخصوص آن بازجویی شده بود و حتی در محکومیتی ناعادلانه از سوی دادگاه انقلاب متحمل شش سال زندان هم شده است و تماما قبلا درمورد سوالات پاسخ داده است .

این فعال سندیکایی بازداشت خودش را غیر قانونی میداند و اعلام کرده تا پایان قرار بازداشت یک ماهه اش که ۲۲ خرداد میباشد اگر آزاد نشود دست به اعتصاب غذا خواهد زد.

چاره زحمت کشان وحدت وتشکیلات

#سندیکای_کارگران_شرکت_واحد_اتوبوسرانی_تهران_و_حومه

t.me/vahedsyndica

[@pvsyndica](https://www.instagram.com/pvsyndica)

- فعالین سندیکایی، کارگری و معلمان دربند را بی قید و شرط آزاد کنید:



هر روز که می گذرد دامنه اعتراضات مردمی و مطالبه گری گسترش می یابد. تشدید همین اعتراضات نشان می دهد که سناریوی ساخته شده برای توجیه بازداشت فعالین سندیکایی، کارگری و معلمان بکلی بی پایه و ساختگی بوده است. راستی اگر بزعم سناریوسازان دو فعال سندیکایی فرانسوی عامل تحریک اعتراضات بوده اند چرا با دستگیری آنان به جای فروکش دامنه اعتراضات شاهد گسترش هر چه بیشتر مطالبه گری هستیم؟ اگر مطالبه گران بازداشتی عوامل محرک حرکت های خیابانی بوده اند، چرا با وجود حضورشان در زندان، کارگران، معلمان و بازنشستگان علیرغم تهدید و ضرب و شتم و بازداشت های جمعی همچنان در خیابان مطالبات خود را پیگیری می کنند؟

مزد، حقوق و مستمری بگیران معترضند و اعتراض خیابانی را با اعتصاب در هم می آمیزند زیرا پس از نزدیک به چهار دهه اجرای سیاست سرکوب مستمر دستمزدها، چاقوی جراحی بر گلویشان گذاشته و با تشدید تبعیض می خواهند آخرین لقمه نان گرسنگان و فرودستان را به خون شان آلوده کنند.

معیشت ویران شده آحاد جامعه کارگری که از جمله در شعار «یا مرگ یا زندگی» بازتاب یافته، محرک جنبش مطالباتی فعلی است؛ نه توطئه های خارجی؛ و نه فعالین کارگری و سندیکایی زندانی.

افزایش دامنه اعتراضات در عین حال بیان صریح شکست برخوردهای امنیتی است. با پرونده سازی و زندانی کردن فعالین جنبش مطالباتی، این جنبش را نمی توان متوقف کرد. رویکرد امنیتی و اذیت و آزار فعالین، فقط همبستگی درونی گروههای مختلف مطالبه گران بر پایه فصل مشترک های آنان را تقویت می کند و همبستگی جهانی همسرنوشتان را قوام و دوام بیشتری می دهد. در شرایطی که توجیه ادامه زندان و پرونده سازی فعالان سندیکایی حتی برای سناریوسازان هم دیگر امکان ندارد، سندیکای کارگران شرکت واحد باردیگر مصرانه بر مطالبه خود در آزادی همه بازداشت شده گان تاکید می کند.

سندیکای کارگران شرکت واحد، بویژه، تداوم بازداشت و اذیت و آزار ریحانه انصاری نژاد، آنیسا اسداللهی و کیوان مهدی را قویا محکوم میکند و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان است.

آنیشا اسداللهی و کیوان مهدی، نویسنده، مترجم، مدرس و از مدافعین حقوق کارگران، از تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ در زندان اوین در بازداشت به سر میبرند و از کمترین حق ملاقات برخوردار بوده اند. این در حالی است که آنان کوچک ترین جرمی مرتکب نشده اند.

ریحانه انصاری نژاد، فعال خوشنام کارگری، از تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱ در بازداشت است، و با وجود تعیین و تودیع وثیقه، نه تنها آزاد نشده، بلکه قرار بازداشت موقتش برای بار دوم تمدید شده است.

کوچکترین دلیلی نه برای بازداشت و نه برای تداوم حبس غیر قانونی ریحانه انصاری نژاد، آنیسا اسداللهی و کیوان مهدی وجود ندارد. تداوم بازداشت این فعالین شناخته شده و انسانهای شریف که هیچ جرمی مرتکب نشده اند مصداق بارز آزار و شکنجه روحی و روانی آنها و خانواده های دلنگرانشان است.

سندیکای کارگران شرکت واحد تداوم بازداشت و اذیت و آزار این فعالین، و پرونده سازی های کاذب و بی پایه و اساس علیه آنان و کلیه معلمان و کارگران بازداشتی، از جمله اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، رضا شهابی و حسن سعیدی، همچنین محمد حبیبی، رسول بدافی و جعفر ابراهیمی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه را قویا محکوم می کند و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همه آنان است.

چاره زحمت کشان وحدت و تشکیلات

#سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

t.me/vahedsyndica

[@pvsyndica](https://www.instagram.com/pvsyndica)

خبری از ملاقات با حسن سعیدی در زندان اوین:

امروز شانزدهم خرداد ماه حسن سعیدی از اعضای شناخته شده سندیکای کارگران شرکت واحد که در حال حاضر در بند ۲۰۹ زندان اوین در بازداشت است با خانواده اش ملاقات حضوری داشته است .

حسن سعیدی از اعضای فعال سندیکاست که بارها به دلیل فعالیت های سندیکایی و کارگری توسط عوامل امنیتی بازداشت گردیده و بنابر همین فعالیت ها سالهاست که از کارش اخراج گردیده است ، با وجود بیرون بودن این فعال سندیکایی از محل کار ، اما همچنان وکالت صدو بیست تن از همکاران خود را در خصوص، فساد تعاونی مسکن مرکزی شرکت واحد بعهده گرفته است و پیگیر مطالبات همکارانش بوده است

حسن سعیدی در شامگاه ۲۸ اردیبهشت ماه توسط ۹ مامور امنیتی به محل اقامتش دستگیر شد و تا هفته گذشته بطور مرتب و متعدد تحت بازجویی قرار داشت که در حال حاضر بازجویی هایش، پبایان رسیده ، اما قرار بازداشت نامبرده از سوی بازپرسی یک ماه تعیین گردیده است.

t.me/vahedsyndica

[@pvsyndica](https://www.instagram.com/pvsyndica)

- بیانیه عمومی در رابطه با سناریو سازهی جدید دستگاههای امنیتی علیه فعالین کارگری و معلمان:

برپایه خبر منتشره در سطح شبکه های مجازی آمده است: به دنبال مسافرت دو عضو فرانسوی سازمان جهانی کار و سندیکای FO به ایران و ملاقات با تعدادی از فعالین کارگری و معلمان، دستگاه های امنیتی با توجه به گسترش اعتراضات و خیزشهای خیابانی علیه گرانی، مجال را غنیمت شمرده تا سیاست همیشگی گروگانگیری از اتباع خارجی را تحت عنوان جاسوس عملی نموده و به بهانه ارتباط با آنها به بازداشت گسترده فعالین کارگری و معلمان دست بزنند.

بیش از یک هفته است که مردم به تنگ آمده از فقر و گرانی در خیلی از شهرهای ایران در خیابان هستند. حکومت به سیاق همیشه با خشنترین شیوه به مقابله با مردم معترض به گرانی برآمده است. تاکنون طبق اخبار منتشره، پنج نفر با شلیک مستقیم سرکوبگران به قتل رسیده اند.

حکومت که پاسخی برای رفع مشکلات معیشتی مردم ندارد، به عبث تنها راه خلاصی خود از اعتراضات و خیزشهای توده ای را سرکوب، بازداشت و کشتار می داند.

بازداشت دو شهروند فرانسوی اعضاء سندیکای FO و سازمان جهانی کار و بازداشت فعالین کارگری و معلمان به جرم ملاقات با این افراد، تلاشی بیهوده در راستای سرکوب جنبش حق طلبی و آزادیخواهی کل جامعه است که حول جنبش طبقه کارگر در حال اتحاد و انسجام است و امروز خیابانها را به تسخیر در آورده است.

خنثی سازی سناریوسازیهای دستگاه های اطلاعاتی برای ارباب و ممانعت از گسترش مبارزات و اعتراضات توده ای علیه فقر و فلاکت و گرانی با خواست آزادی فوری و بی قید و شرط فعالین کارگری و معلمی بازداشتی و همچنین آزادی دو شهروند فرانسوی بدون هیچ قید و شرطی و وظیفه عمومی و توده های مردم جان به لب رسیده است.

امضاء کنندگان این بیانیه ضمن محکوم کردن اقدامات نخ نماي گروگانگیری دستگاههای امنیتی و بازداشت فعالین کارگری و معلمی تحت عنوان اتهام ساختگی جاسوسی و ارتباط با به اصطلاح جاسوسان خارجی، خواهان تحقق فوری خواستههای زیر می باشند.

1- آزادی فوری و بی قید و شرط فعالین کارگری و معلمی بازداشت شده به اتهام واهی جاسوسی و ارتباط با دو عضو سازمان جهانی کار و سندیکای FO.

2- آزادی فوری و بی قید و شرط شهروندان فرانسوی اعضاء سازمان جهانی کار و سندیکای FO و پایان دادن به گروگانگیری از شهروندان خارجی و دو تابعیتی.

امضاء ها :

1- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

2- سندیکای نقاشان البرز

3- کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری

4- ندای زنان ایران

5- گروهی از فارغ التحصیلان بیکار دانشگاه رازی کرمانشاه

6- گروهی از ورزشکاران رزمی کار کرمانشاه

7- گروهی از مهندسان نرم افزار پاساژ میرداماد کرمانشاه

8- گروهی از کارگران و خانواده های کارگری محلات شهر سنندج

9- گروهی از کارگران ساختمانی سنندج

10- گروهی از کارگران لوله کشی گاز ساختمانی سنندج

11- گروهی دستفروشان خیابان فرح سنندج

12- گروهی کولبران مریوان

13- گروهی از کارگران مرغداری های مریوان

14- گروهی از کارگران نقاش ساختمانی سقز

15- گروهی از کارگران لوله کش ساختمانی سقز

16- گروهی از کارگران برق کار ساختمانی سقز

17- گروهی از جوانان بیکار محله تپه شافعی سقز

18- گروهی از جوانان بیکار محله کریم آباد سقز

19- گروهی از بازنشستگان تأمین اجتماعی و خدمات درمانی و خانواده های آنان در شهر سقز

20- گروهی از مردم معترض به فقر و گرانی محله نشمیلان سقز

21- گروهی از مردم معترض به فقر و گرانی محله بهارستان سقز

22- گروهی از مردم معترض به فقر و گرانی محله کریم آباد سقز

23- گروهی از مردم معترض به فقر و گرانی محله شهرک دانشگاه سقز

24- گروهی از کارگران کارگاههای تولیدی شهرک صنعتی سقز

25- گروهی از کامیون داران و رانندگان کامیون شهر سقز

02/03/1401

- یازدهمین روز اعتصاب غذای رضا شهابی امروز دوم تیر ماه و جلوگیری از ملاقات خانوادهای شهابی و سعیدی و اسداللهی و مهتدی و انصاری :

امروز دوم تیرماه یازدهمین روز اعتصاب غذای رضا شهابی عضو سندیکا است که در بدترین شرایط جسمانی در اعتراض به پرونده سازی از سوی وزرات اطلاعات دست به اعتصاب غذا زده است و براساس آخرین تماس در هفته قبل دچار ضعف شدید جسمانی و سرگیجه و عدم تعادل در ایستادن بوده است .

امروز پنجشنبه دوم تیر ماه نوبت ملاقات خانواده ها بوده است که از ملاقات خانواده شهابی و سعیدی و آنیشا اسداللهی ، کیوان مهتدی و ریحانه انصاری جلوگیری بعمل آوردند که خانواده به این مسئله اعتراض میکنند و مسئولین قضایی زندان میگویند قاضی اجازه ملاقات نمی دهد.

خانواده های فعالین کارگری و معلمان بازداشتی در بند ۲۰۹ و ۲۴۰ زندان اوین که از سوی وزرات اطلاعات با پرونده سازی و اتهامات واهی جاسوسی، در ارتباط با دو معلم فرانسوی بازداشت شده اند. از جمله خانواده رضا شهابی، حسن سعیدی، نیشا اسداللهی، کیوان مهتدی، رسول بدایقی در حال حاضر از حق ملاقات و تماس با عزیزان در بند خود محروم شده اند .

. این در حالیست که رضا شهابی در یازدهمین روز اعتصاب غذای خود میباشد و عدم اطلاع از وضعیت نامبرده برای خانواده شهابی و سندیکای واحد و جامعه کارگری بسیار نگران کننده است و در شرایط بسیار وخیم جسمانی به سر می برد.

اقدام زندانبان و بازپرس و مسئولان قضایی مبنی بر ممنوعیت ملاقات و تماس با فعالین صنفی زندانی، نقض کامل حقوق انسانی افراد بازداشت شده میباشد و براساس قوانین داخلی و استانداردهای جهانی داشتن ملاقات و استفاده از تلفن از حقوق اولیه زندانبان می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد بار دیگر تداوم بازداشت اعضای خود، رضا شهابی و حسن سعیدی، و دیگر فعالین سندیکایی و کارگری را بشدت محکوم میکند و خواستار آزادی فوری کلیه بازداشت شدگان می باشد.

چاره زحمت کشان وحدت وتشکیلات

#سندیکای_کارگران_شرکت_واحد_اتوبوسرانی_تهران_و_حومه

@pvsyndica

t.me/vahedsyndica

- تشدید فشار به #ریحانه_انصاری_نژاد و دیگر فعالان کارگری و معلمان زندانی:

#ریحانه_انصاری_نژاد فعال کارگری که از تاریخ

۲۲ اردیبهشت ماه در بازداشت به سر می برد، نه تنها علیرغم تودیع وثیقه تعیین شده همچنان در زندان بسر می برد، بلکه تحت فشار بازجویان و بازجویی های سنگین وطولانی قرار داشته و شرایط سختی را سپری می کند.

خانم انصاری نژاد که سرپرستی تنها فرزندش را به عهده دارد اخیراً با توجه به مسائل و موضوعاتی که در بازجویی های وی مطرح شده، نگران سلامتی فرزندش بوده و در این خصوص اظهار نگرانی کرده است.

تشدید فشارها و تهدیدهای بازجویان نسبت به این فعال بی ریا و مخلص جنبش کارگری ظاهراً برای پرونده سازی علیه وی جهت تن در دادن به سناریوی ساختگی و بی پایه و اساسی است که عوامل سرمایه و نیروهای مدافع آن، هر بار به بهانه ها و ترفندهای مختلف آن ها را علم می کنند تا فعالان جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی را به جریانات خارج از ایران منتسب نموده، از تلاش و فعالیت برای پیگیری خواست ها و مطالبات شان بازدارند.

بازجویی های مکرر و طولانی و شدت فشار بر معلمان و فعالین کارگری زندانی - که اخیراً بازداشت شده اند - به حدی بوده است که صدای اعتراض حسن سعیدی از فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد را درآورده و منجر به این شده است که نامبرده در اعتراض به ادامه بازجویی ها، از حضور در آن ها سرباز زده و اعلام نماید که از این پس در هیچیک از بازجویی ها حاضر نخواهد شد و به هیچ سئوالی در این رابطه پاسخ نخواهد داد.

عوامل سرمایه و نیروهای امنیتی همچنین در تلاشند تا فعالیت های معلمان و فعالان کارگری زندانی را که در راستای احقاق حقوق مسلم خویش و پیگیری خواست ها و مطالبات کارگران و معلمان صورت می گیرد به جریانات خاصی نسبت داده و چهره این فعالین را مخدوش نمایند.

و حال آن که تلاش ها و فعالیت های چندین و چند ساله این فعالان در ارتباط با پیگیری حقوق و مطالبات کارگران و معلمان به حد کافی روشن و قابل دفاع بوده و هیچ نقطه تاریک و ناروشتی در آن دیده نمی شود.

به ریحانه انصاری نژاد هیچ وصله ناجوری نمی چسبد. او فرزند پاک و بی ریای کارگران، معلمان و مردم به جان آمده است که برای احقاق حقوق مسلم خویش و طبقه کارگر ایران فعالیت و مبارزه می کنند. ریحانه گناهی جز دفاع از خواست ها و مطالبات کارگران، معلمان و مردم ستمدیده و زحمتکش نداشته و ندارد. او و دیگر فعالان کارگری و معلمان باید بدون قید و شرط آزاد شود.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری بازداشت و اعمال فشار به ریحانه انصاری نژاد و دیگر فعالین کارگری و معلمان را محکوم نموده و خواستار آزادی هرچه سریعتر ایشان و سایر فعالین در بند می باشد.

تلگرام کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

- ادامه فشار بر فعالین سندیکایی در زندان، خدمتی دیگر به پرونده فساد گسترده تعاونی مسکن مرکزی شرکت واحد :

امروز سه شنبه هفتم تیرماه شانزدهمین روز اعتصاب غذای رضا شهابی و هفتمین روز اعتصاب غذای حسن سعیدی دو فعال سندیکای شرکت واحد است.

آنها را بشدت زیر فشار قرار داده و به زور بازجویی های ممتد قصد دارند به اعتراف به سناریوی نخ نمای از پیش تهیه شده خود وادارند. رویکرد مشابهی در مورد فعالین صنفی معلمان از جمله رسول بدایقی محمد حبیبی و جعفر ابراهیمی و..... هم جریان دارد.

می خواهند به خیال خود با شکستن اراده بازداشت شده گان و سندسازی از اعترافات زیر بازجویی های ممتد و طولانی ، خط نیروهای امنیتی در جرم انگاری ارتباط طبیعی میان فعالین تشکل های مستقل صنفی و سندیکایی با تشکل های مستقل صنفی بین المللی و حامیان جنبش کارگری به عنوان حلقه اصلی پیوند میان آنها را تحمیل کنند؛ بهانه برخورد گسترده تر با سندیکا و کانون های صنفی را فراهم سازند و از این طریق جریان مطالبه گری را مهار نمایند، اما تاکنون ناکام مانده اند و جنبش مطالباتی و کنشگرانش نه تنها مرعوب نشده اند که دامنه اعتراضات گسترش یافته است. به همین دلیل بیم آن وجود دارد که به جبران شکست شان، با بی توجهی به اعتصاب غذای دو فعال سندیکایی که با تنها ابزار اعتراض باقی مانده یعنی جان شان مایه گذاشته اند ، قصد فشاری مضاعف بر آنان داشته باشند و از این طریق خدمت درخشانی هم به مافیای نظامی - امنیتی مدیران سابق شرکت واحد صورت دهند که میلیاردها تومان اعتبار و آورده های رانندگان و کارگران شرکت واحد و سرمایه تعاونی مسکن شرکت واحد را غارت کرده اند و اکنون پرونده هایشان پس از سالها رکود در اثر پیگیری های دو سال اخیر فعالین سندیکایی در دادسرا جریان یافته است.

طی چند سال اخیر بارها به خاطر پیگیری همین پرونده فساد تعاونی مسکن مرکزی شرکت واحد از سوی تعدادی از نمایندگان سندیکایی، عوامل نفوذی شهردار سابق تهران، به خاطر برگزاری تجمعات اعتراضی در برابر شهرداری و شورای شهر اقدام به پرونده سازی و دستگیری اعضای سندیکا و نمایندگان سپیدار دو وسه کرده و حتی در یک مورد حسن سعیدی یکی از نمایندگان سپیدار دو وسه را ماموران لباس شخصی و تحت فرمان، لای پتو پیچده و از درون تعاونی با خود بردند.

تعدادی از این فعالین سندیکایی که وکالت حقوقی 120 راننده مالباخته عوامل امنیتی - نظامی تعاونی مسکن مرکزی شرکت واحد را دارند، شرایط ادامه پیگیری مستقیم پرونده شکایت از این عوامل در پروژه سپیدار ۲ و ۳ را از دست داده اند. زیرا به بهانه ای سراپا پوچ و توخالی و صرفا بر اساس یک سناریوی امنیتی نخ نما زیر بازجویی های پی در پی در بند ۲۰۹ اوین دست به اعتصاب غذا زده اند. ادامه فشار امنیتی و بازجویی از رضا شهابی، حسن سعیدی خدمت به مافیا و یغماگران سرمایه های رانندگان زحمتکش شرکت واحد است.

سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه در شرایط دشوار کنونی که جان فعالینش در زندان در خطر است، دست یاری و حمایت به سوی همه فعالین صنفی، کنشگران مدنی، تشکل های مستقل کارگری، صنفی و سندیکایی دراز می کند تا در هر کجای جهان که هستند از هر طریقی که می توانند حمایت خود را از فعالین اسیر دریغ نکنند.

چاره زحمت کشان وحدت وتشکیلات

#سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

@pvsyndica

t.me/vahedsyndica

تشکل های صنفی فرهنگیان :

- بخش هایی از بیانیه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در پاسخ به سناریو سازی های مضحک صدا و سیما علیه #فعالان صنفی

قسمت دوم:

جنبش اعتراضی معلمان، جنبشی اصیل، مستقل و صنفی بوده و به هیچ فرد، جناح، گروه و یا نهادی وابسته نبوده و نیست. معلمان ایران نجیبتر از آنند که به ناجوانمردانه و نانجیبانهترین شکل، به نهادها، گروهها یا اشخاص داخل یا خارج از کشور منتسب شوند.

اخیراً وزارت اطلاعات پس از دستگیری چند نفر از خوشنامترین و با سابقه‌دارترین کنشگران صنفی، ابتدا در سناریویی مضحک آنان و شورای هماهنگی را مرتبط با دستگیری دو نفر از اتباع فرانسوی (خانم سبسیل کوهلر معلم و عضو اتحادیه معلمان فرانسه و همسرش آقای ژاک پاریس معلم مقطع ابتدایی) جلوه داد که در پی ایجاد آشوب در ایران از طریق کنشگران صنفی بوده‌اند، و اصلاً از خود نپرسیده‌اند که اگر معلمان در پی ایجاد آشوب بوده‌اند، چرا در بیست‌سال گذشته، به مسالمت‌آمیزترین شکل اعتراض کرده‌اند.

در اقدام مذبحانه ای دیگر، صدا و سیما با پخش گزارشی و نام بردن از چند تن از معلمان شریف ایران (#رسول_بدای، #اسکندر_لطفی، #شعبان_محمدی و #مسعود_نیکخواه) پروژه‌ی سناریوسازی کمیک خود را علیه معلمان شریف ایران که رزومه‌ی فعالیت آن‌ها بسیار شفاف است، ادامه داد.

[@kashowra](https://www.kashowra.com)

=====

- بخش هایی از بیانیه ۲۹ اردیبهشت شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در پاسخ به سناریو سازی های مضحک صدا و سیما علیه فعالان صنفی

قسمت سوم:

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکوم نمودن رفتار نیروهای امنیتی و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، چند نکته را به استحضار فرهنگیان عزیز و ملت شریف ایران می‌رساند:

۱- طبق قوانین جمهوری اسلامی، پیش از تشکیل دادگاه علنی و با حضور متهم و رعایت ضوابط حقوقی کامل، نمی‌توان از طریق رسانه‌ای که قید ملی را یدک می‌کشد، با آبرو و حیثیت افراد بازی کرد. هرچند صدا و سیما ایران ید طولایی در این امر دارد، به شکلی که خبرنگار، عملاً نقش بازجوها را بازی می‌کند و چه بسا کاسه‌ی داغ‌تر از آتش می‌شود.

اما نکته‌ی ظریف این‌جاست که ملت شریف ایران، با این روش به‌خوبی آشنا است؛ احتمالاً در چند روز آینده و برای تکمیل‌شدن این سناریو، این دو تبعه فرانسوی مجبور شوند که در تلویزیون حاضر شوند و اعتراف کنند که: هدفشان از مسافرت به ایران به آشوب کشیدن تجمعات معلمان بوده‌است!

۲- نیم‌نگاهی به رزومه افراد دستگیر شده‌ی فرانسوی نشان می‌دهد که آن‌ها در فرانسه، فعال صنفی مستقل از حکومت بوده و با سیاست‌های دولت فرانسه در حیطه آموزشی و کارگری اساساً مخالفند. بسیار مضحک است که شهروندان مستقل از نهادهای قدرت یک کشور را گروگان گرفته و دستاویز سرکوب کنشگران صادق ایران‌زمین قرار دهند و انتقام مطالبه‌گری را به غیر اخلاقی‌ترین شکل ممکن، از معلمان ایران بگیرند.

۳- طی بیست‌سال گذشته، این فعالان صنفی خوشنام (بدای، لطفی، نیکخواه، محمدی) پیگیر مطالبات صنفی جامعه معلمان و از جمله تعطیل‌شدن اصل سی‌ام قانون اساسی بوده‌اند. صدا و سیما گزارشش را طوری تنظیم کرده که این افراد، تازه به جمع معلمان پیوسته‌اند و قصد آشوب از طریق خارجی‌ها را دارند. حال آن‌که معلمان دستگیر شده، سابقه‌ای بیست‌ساله در پیگیری مطالبات صنفی دارند و فعالیت آن‌ها بر اساس اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی انجام شده‌است.

[@kashowra](https://www.kashowra.com)

- بیانیه کانون صنفی معلمان استان بوشهر در حمایت از #معلمان_زندانی و پروژه امنیتی سازی جنبش معلمان:

بر همگان آشکار است که معلمان ایران روزهای خوبی را سپری نمی‌کنند. وضعیت اسفناک امروز آموزش و پرورش و معلمان نشان از دردهای بی‌درمانی دارد که آموزش عمومی ایران به آنها مبتلاست. ماحصل این بی‌توجهی ویرانگر مسئولان امر، آسیب‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیست محیطی و همچنین در خطر افتادن بهداشت روانی فردی آینده‌سازان مملکت شده است.

مدت هاست که معلمان بر اساس نص صریح قانون اساسی مطالبات بر حق شان را خواهانند و به شیوه ای کاملاً مدنی و مسالمت آمیز و در نهایت متانت و قانونمندی که مشخصه بارز شخصیت معلمی است؛ فریاد عدالت خواهی سر داده اند. اما حاکمیت و مدیریت سیاسی ناکارآمد، به جای آن که با نمایندگان قانونی و واقعی معلمان به رایزنی و مذاکره بنشینند تا حداقل بدانند خواسته های معلمان چیست و چگونه می توان مسائل مبتلابه آموزش و پرورش را حل کرد، به بدترین شکل ممکن این قشر فرهیخته را آماج تهمت ها و تهدیدهای خود ساخته اند تا سرپوشی بر ندانم کاری های خود بگذارند.

کاش زمانی که دستور بازداشت معلمان را صادر می کردند و نیروهای امنیتی شان را به این کار وا می داشتند، به آنها گوشزد کرده بودند که در برخورد با معلمان، خشونت روا ندارند و با رفتارهای غیر متمدنانه، رمنده و بربری مآبانه، موجب سرخوردگی و خشم معلمان نشوند؛

از معلمان شریف و دلسوز و متعهدی که امروز آماج فحش و ناسزا و تخریب و تهدید و ستم واقع شده اند چه سان انتظار دارید که راهبری نظام تعلیم و تربیت را، که مهمترین نقش کلیدی در سعادت و بهروزی مُلک و ملت را دارد، ایفا کنند؟؟!!

اما دولت و نهادهای امنیتی در نهایت کوتاه نظری، در هفته ای که به نام معلم مزین شده بود، چنان به جان معلمانش می افتد که ننگ آن بر دامن خود به آب نیل نتوانند زدود...

تاریخ خوب قضاوت گری است و گذر زمان پرده از رازهایی برمی دارد که دیگر رمز گشایی شان دردی را دوا نمی کند!

اندک زمانی بعد، به یمن فضای مجازی مردمان از همه افشار جامعه، خواهند فهمید که فریاد امروز معلمان از چه بوده است!

البته معلمان نیک می دانند با گذشت زمان، نیروهای امنیتی و انتظامی که امروز احساس قدرت کاذب می کنند، از رفتار امروزشان با معلمان خجل و شرمنده وجدان شان خواهند شد. آنهایی که امروز، معلمان مطالبه گر را اینگونه در تنگنا قرار داده اند و مواخذه می کنند، بدانند که فردایی نه چندان دور، باید نان سفره اشان را مصروف هزینه های کمرشکن آموزش خصوصی و پولی فرزندانشان کنند!

همه شاهدند که اغلب مدارس غیر دولتی جهت جذب دانش آموز و انباشت سرمایه، با بذل نمرات غیر واقعی و اهدا مدارک کذایی، عملاً باعث ترویج تنبلی و بی مسئولیتی دانش آموزان می شوند و ایضا مدارس خاص دولتی (نیز هوشان، نمونه و...) با تخصیص بودجه های چند برابری از سوی وزارت آموزش و پرورش به آنها برای نخبه پروری، عملاً موجب بی عدالتی و شکاف طبقاتی فزاینده در جامعه می شوند و مالا دانش آموزان مشغول تحصیل در آن ها نیز، خود را تافته ای جدا بافته می دانند و دچار توهم خود برتری بینی می شوند که قادر نیستند با سایر شهروندان کشور در امور مختلف همراهی و مشارکت نمایند.

کمی چشم تان را باز کنید تا ببینید که صندلی های پزشکی دانشگاه های معتبر امروز از آن کیست؟ و چگونه به ثمن بخش به نور چشمی ها فروخته می شود!

معلمان ده سال است که فریاد می زنند نه به آموزش های پولی و غیر انتفاعی!!

تا امروز به اینجا رسیده ایم که بیشترین درصد رتبه های برتر از آن اقلیت ثروتمندی است که کلاس های خصوصی و آموزش های پولی را انحصار کرده اند!

ای کسانی که جاهلانه، امروز برای معلمان شمشیر از رو می کشید! بدانید که این سیستم آموزشی غیر عقلانی و غیر اخلاقی باعث می گردد فرزندان شما و آحاد جامعه، آرزوی قبولی در رشته های برتر دانشگاهی و کسب رتبه های برتر، عملاً دچار ناکامی ویرانگر شوند!

اگر ده سال پیش اسماعیل عیدی را در نطفه خفه نکرده بودید، امروز آموزش عمومی تا به این حد به انحطاط و ابتذال دچار نشده بود.

و بدانید...

تا زمانی که معلمان شریف و متعهدی، چون #رضا_امانی_فر، #جعفر_ابراهیمی، #محمد_حبیبی، #رسول_بداقی، #لطیف_روزیخواه، #اسکندر_لطفی، #شعبان_محمدی، #مسعود_نیکخواه... که فریاد" نه به آموزش های خصوصی را " سر داده اند در نهایت نادانی به بند می کشید، آنهم با سناریو سازی مضحک و نخ نما شده که مرده را در گور به خنده وا می دارد. وقتی معلمان شجاع استان فارس را بصورت فله بازداشت کرده تا به خیال خام خود خیابان معدل را به سکوت بکشید!

منتظر مرگ آموزش عمومی در آینده ای نزدیک برای همیشه باشید.

آری

آری

معلمان تاریکی آینده علم و ناقوس مرگ آموزش عمومی را مدت هاست که متوجه شده اند و فریاد اعتراض سر داده اند...

اما چه کنیم که :

بیشه بی‌صاحب‌تر از پیش است و جای شیرها/

گر به جولان می‌دهد در جنگل و خنزیرها

جانشین ببرهایند و خدایی می‌کند/

خرمگس در آسمان و زخم این شمشیرها

کاری و کاری‌تر از کاری و حالم بدتر از/

حال و روز مادرم ایران و با زنجیرها.....

یکم خرداد ماه ۱۴۰۱ خورشیدی

کانون صنفی معلمان استان بوشهر

[@kashowra](#)

- دوازده روز بی‌خبری از #رسول_بداقی:

منبع خیر: خانواده‌ی زندانی

هر زندانی، وفق موازین قانونی از جمله قانون آئین دادرسی کیفری و حقوق شهروندی، #حقوق دارد در طول مدت بازداشت یا حبس، با خانواده‌ی خود ارتباط تلفنی، مکتوب و ملاقات داشته باشد.

مسئولان و تصمیم‌گیران زندان، به خصوص زندان اوین که مطابق ماده‌ی ۲۹ قانون آئین دادرسی کیفری از نیروهای زیر مجموعه‌ی قوه قضاییه محسوب می‌شوند، موظف‌اند دلیل یا دلایل منطقی محرومیت دوازده روزه‌ی رسول بداقی را به فرض مجرم بودن ایشان به همسر و سه دخترش اطلاع دهند.

این، حداقلی‌ترین حق شهروندی خانواده‌ی بداقی و یکی از اصول حداقلی قانونی و اخلاقی است.

بی‌شک، این‌گونه محدودیت‌ها ذره‌ای از عزم #رسول_بداقی نخواهد کاست، رسول، قبلاً امتحان خود را پس داده‌است، آن‌زمان که هفت سال زندان بی‌وقفه و بدون مرخصی (حتی محرومیت از خاکسپاری مادر) خللی در پیگیری اهداف و آرمان‌های او ایجاد نکرد، اما گناه همسر و فرزندان ایشان چیست؟ آیا گناهشان این است که همسر و فرزندان رسول بداقی هستند!؟

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، زبان گویای هرگونه بی‌عدالتی و بی‌اخلاقی در حق همه‌ی معلمان، خاصه معلمان زندانی است و وظیفه‌ی انسانی و تشکیلاتی خود می‌داند که در کنار خانواده‌ی معلمان زندانی پیگیر شرایط عادلانه مطابق قوانین جاریه و در روندی یکسان و برابر، برای همه‌ی همکاران زندانی باشد.

[@kashowra](#)

- بیانیه‌ی کانون معلمان همدان در خصوص پرونده سازی علیه معلمان شریف ایران‌زمین:

به‌نام خداوند جان و خرد

عدم پاسخگویی به خواسته‌های برحق، قانونی و منطقی فرهنگیان شریف ایران، به رویه‌های تبدیل شده‌است که دولت و مجلس در سالیان اخیر بدون هیچ ابایی آن را دنبال می‌کنند و برای فرار از مسئولیت‌های قانونی خود، ساده‌ترین راه - پاک کردن صورت مساله- را انتخاب نموده‌اند.

رفع تبعیض و بی‌عدالتی در حقوق و مزایای شاغلان و بازنشستگان فرهنگی، با همتایانشان در سایر ادارات و موسسات دولتی و نیز اجرای بی‌کم و کاست اصل سی‌ام قانون اساسی و جمع کردن بساط آموزش خصوصی و مخالفت با پولی سازی آموزش و فراهم نمودن فضا و امکانات متناسب با استانداردهای روز جهان، خواسته‌ی همیشگی فعالان و تشکل‌های صنفی فرهنگیان بوده و هست.

مسئولان آموزش و پرورش کشور و در راس آن‌ها، وزیر محترم آ.پ، به جای دفاع از حقوق قانونی فرهنگیان و دانش‌آموزان و رفع فضای حراستی و امنیتی، به ابزاری برای مقابله با این خواسته‌های قانونی تبدیل شده‌اند.

متأسفانه‌تر آن‌که وزیر، به‌جای تلاش برای آزادی فعالان صنفی فرهنگیان از زندان، می‌کوشد با ایراد اتهام و ایجاد فضای حراستی، جامعه فرهنگیان را مرعوب سازد تا از پیگیری مطالبات خود و دانش‌آموزانشان دست بکشند.

سناریوسازی و ایراد اتهامات نخنمای همیشگی، مثل سوءاستفاده‌ی دشمن از اعتراضات و یا اتهام ارتباط فعالان صنفی با آن‌سوی آب‌ها و یا فقدان بودجه برای تامین حقوق حقه‌ی فرهنگیان و نیازهای آموزشی دانش‌آموزان و... نهنته‌ی مورد پذیرش جامعه فرهنگیان قرار نمی‌گیرد، بلکه پروسه‌ی اعتراضات را طولانی‌تر می‌سازد.

از نظر جامعه‌ی فرهنگیان، رسول بدایقی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی - مسعود نیکخواه - اسماعیل عیدی - جعفر ابراهیمی - محمد حبیبی - محمد فلاحی و سایر معلمان زندانی، از فارس گرفته تا بوشهر و خوزستان و خراسان جزو اصیل‌ترین، دلسوزترین و پاک‌ترین فرزندان ایران زمین هستند و هیچ اتهامی متوجه آن‌ها نیست. آنان شایسته‌ی تجلیل و تقدیرند، نه حبس و تعزیر. این معلمان دلسوز، صرفاً منعکس کننده‌ی صدای حق‌طلبی فرهنگیان کشور بوده و هستند. عاملان و آمران این دستگیری‌ها باید بدانند که با ایراد چنین اتهامات ناروا، نمی‌توانند مسیر حق‌طلبی فرهنگیان کشور را منحرف سازند.

کانون معلمان همدان، ضمن اعلام حمایت قاطع از همکاران خود، به مسئولان گوشزد می‌کند که غفلت و بی‌توجهی نسبت به خواسته‌های جامعه‌ی فرهنگیان، تعمیق اعتراضات و گسترش ناراضیاتی‌ها را در پی خواهد داشت. معلمان صرفاً خواسته‌های قانونی خود و دانش‌آموزانشان را طلب می‌کنند و همچون گذشته و به تکرار، از دولت و مجلس می‌خواهند که به قانون پایبند باشند.

کانون معلمان همدان

هشتم خردادماه یک‌هزار و چهارصدویک

kashowra@

- اطلاعیه حمایتی شورای هماهنگی از فراخوان انجمن صنفی معلمان مریوان سروآباد:

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، در طول بیست‌سال گذشته، طی مذاکرات با دولت، مجلس و دیگر مقامات، صدور بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها و سخنرانی‌ها، قوای مجریه و مقننه را به رعایت قانون و به طور اخص، به رعایت حقوق ملت - مصرحه در قانون اساسی - دعوت کرده‌است.

اکنون که در اقدامی ناصواب، تعدادی از معلمان ایران را با اتهامات واهی و غیر واقعی در حبس و انفرادی زندانی کرده‌اند، این شورا همچنان با تاسی به قانون اساسی خصوصاً اصل بیست و هفتم قانون اساسی و فصول دوم و سوم قانون اساسی که حقوق ملت در آن تصریح شده‌است، با روش‌های مدنی و مسالمت آمیز، مسئولان امر را به اجرای دقیق قانون و جلوگیری از بی‌قانونی‌های صدا و سیما دعوت می‌کند.

صدا و سیما در اقدامی غیر قانونی، پیش از تشکیل دادگاه صالحه و اثبات جرم، اقدام به نشر اکاذیب نموده و با این اقدام غیرقانونی، آبرو و حیثیت کنشگران صنفی را وجه‌المصالحه‌ی باند بازی‌های ناقضان قانون و پایمال کنندگان حقوق ملت قرار داده است که این جرم در محاکم قضایی پیگیری خواهد شد.

از نظر شورای هماهنگی معلمان زندانی **#اسکندر لطفی** **#رسول بدایقی** **#شعبان محمدی** **#مسعود نیکخواه** **#اسکندر لطفی** **#جعفر ابراهیمی** **#محمد حبیبی** **#محمدعلی زحمتکش** **#اصغر امیرزادگان** **#مژگان باقری** **#غلامرضا غلامی** **#عبدالرزاق امیری** **#افشین رزمجو** **#حمید عباسی** **#محمد عالیشوندی** **#ایرج رهنما** **#هادی صادق زاده** جزو بهترین معلمان این مرز و بوم هستند و تلاش آنها صرفاً در جهت بهبود اوضاع نابسامان آموزش و پرورش کشور بوده و هست. دستگیری و ایراد اتهامات واهی به این عزیزان هیچگاه مورد پذیرش جامعه فرهنگیان قرار نخواهد گرفت.

این شورا، اعلام می‌دارد، فراخوان حمایت از معلمان زندانی که توسط انجمن صنفی معلمان مریوان_سروآباد برای تاریخ نهم خرداد هزارو چهارصد و یک صادر شده، بر اساس اصل بیست و هفتم قانون اساسی انجام خواهد گرفت و از معلمان مریوان دعوت می‌کند، به این فراخوان پاسخ مثبت دهند

شورای هماهنگی با تشکیل تیم مذاکره کننده امید دارد که مقامات با تاسی به قانون، با صدور منع قرار تعقیب، معلمان دستگیر شده را آزاد نمایند و در صورت محاکمه، شرایط برگزاری دادگاه عادلانه و علنی آنها را فراهم آورند. ما امیدواریم با در نظر گرفتن شرایط حاکم بر کشور عقلانیتی در جهت زدودن بحران‌ها در دستور کار قرار گیرد و با در پیش گرفتن کوشش های مردم سالارانه شرایط کشور به نفع مردم و عموم زحمت‌کشان رقم بخورد. در غیر این صورت باید منتظر گسترده شدن اعتراضات در سطح کشور و در ابعاد بزرگ تر باشیم.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ۸ خرداد ۱۴۰۱

@kashowra

=====

سناریوسازی علیه فعالان صنفی:



جامعه ایران، آگاهتر از آنند که تحت تاثیر تبلیغات سیاسی (پروپاگاندا) صدا و سیما راجع به معلمان قضاوت کنند.

عملکرد صدا و سیما و عملکرد معلمان، طی سالهای گذشته، حقانیت این دوقشر را به وضوح روشن می‌سازد.

شیوهی نخ نمای سناریوسازی، هیچگاه برای مردم ایران، به خصوص جامعه فرهنگیان ایران، مورد پذیرش نبوده و نخواهد بود.

صدا و سیما و کسانی که بدون توجه به قانون و اخلاق، بی‌آنکه برای معلمان دادگاه صالحه برگزار شود، سناریوی مضحک خود را پخش کرد. باید بدانند که این نکته از چشمان تیزبین معلمان ایران، پنهان نخواهد ماند.

#تاریخ_قضاوت_خواهد_کرد

#رسول_بداقی

#مسعود_نیک_خواه

#شعبان_محمدی

#جعفر_ابراهیمی

#محمد_حبیبی

#اسکندر_لطفی

@kashowra

=====

بیانیه پایانی تجمع انجمن صنفی معلمان مریوان در پیگیری آزادی اعضای هیات مدیره انجمن؛ شعبان محمدی، اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه :

طی دو دهه اخیر فرهنگیان سراسر کشور مطالبات خود را به شیوه های مدنی، مسالمت آمیز و قانونی با مسئولین دولتی و جامعه مطرح نموده اند. متأسفانه در این مدت طولانی با مراجعه به وجدان بیدار معلمان و بازنشستگان، اقدامی شایسته و مناسب از طرف دولت، مجلس و آموزش و پرورش برای بهبود وضعیت آموزش و پرورش و همچنین بهبود وضعیت معیشتی معلمان و بازنشستگان انجام نشده است. با توجه به وضعیت اسف بار اقتصادی و تورم افسارگسیخته و با وجود وعده و وعیدهای متعدد، فرهنگیان از وضعیت فعلی آموزش و پرورش و معیشت خود به شدت ناراضی اند.

در همین راستا و در اردیبهشت ماه سال جاری، فرهنگیان کشور با برپایی تحصن و تجمعات مسالمت آمیز و قانونی اقدام به طرح مطالبات خود نمودند که متأسفانه طی این تجمعات، قبل و بعد از آن، تعدادی از فرهنگیان دلسوز سراسر کشور، بازداشت و زندانی شدند. در همین ایام سه نفر از اعضای هیات مدیره انجمن صنفی معلمان مریوان آقایان اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه و شعبان محمدی حدود یک ماه در بازداشت نهادهای امنیتی هستند. این اقدام نهادهای امنیتی موجب نگرانی برحق خانواده این عزیزان و همکاران فرهنگی مریوان و سراسر کشور شده است و پیگیری های خانواده این دوستان و انجمن های صنفی برای آزادی آنان، تاکنون بی نتیجه مانده است.

ما ضمن محکوم کردن بازداشت معلمان برای فعالیت های صنفی، از تمام فعالیت های صنفی همکاران در بند حمایت کرده و اعلام می کنیم که کنش های آنان کاملاً صنفی و در چارچوب اصول 26، 27 و 30 قانون اساسی بوده است و هرگونه پرونده سازی و سناریو سازی امنیتی برای آنان بی توجهی و انحراف مطالبات صنفی فرهنگیان سراسر کشور و محکوم به شکست است.

اکنون که حدود یک ماه از بازداشت اعضای هیات مدیره انجمن صنفی معلمان مریوان می گذرد، ضمن همراهی با تمامی فعالیت های خانواده این عزیزان و تمام دلسوزان و معلمان مریوان، خواهان آزادی آنان می باشیم.

با توجه به اینکه در روزهای اخیر تعدادی از معلمان بازداشتی در شهرهای مختلف آزاد شدند، انجمن صنفی معلمان مریوان ضمن استقبال و تبریک آزادی این همکاران عزیز، از دادستان و دادگستری مریوان خواهان آزادی **#اسکندر_لطفی**، **#مسعود_نیکخواه** و **#شعبان_محمدی** هستیم و از مسئولین قضایی می خواهیم نگرانی اعضای خانواده این معلمان دلسوز و همکاران فرهنگی را به جد مورد توجه قرار دهند.

انجمن صنفی معلمان مریوان اعلام می دارد، ضمن پیگیری و حمایت کامل از مطالبات اصلی و سراسری فرهنگیان با همراهی معلمان و بازنشستگان از تمام ظرفیت های قانونی برای آزادی همکاران خود استفاده می کند.

به امید آزادی معلمان زندانی

#انجمن_صنفی_معلمان_مریوان

9 خرداد 1401

[@kashowra](https://www.kashowra.com)

- بیانیه کانون صنفی معلمان استان بوشهر در مورد ادامه فشار امنیتی بر فعالین صنفی معلمان :

ظلم اینان می رود. نوبت به آنان می رسد / بعد پایان زمستان هم زمستان می رسد !

گویی زمستان و یخبندان استخوان سوزش قصد کوچ کردن از زندگی اندوهناک معلمان ایران را ندارد !

گویی تمام عزم شان را جزم کرده اند تا رد پای هر نیمه بهاری را از زندگی معلمان آگاه سرزمین شان پاک کنند !

نمی دانیم با این گرو کشی ها و این زندان و زندانی کردن ها، بدنبال کسب کدامین لذت یا اثبات کدامین وجه وجودی تان هستید!

بدنبال بازداشت های اخیر معلمان، در حالی که جامعه فرهنگیان در انتظار آزاد شدن همکاران شان هستند؛ به جای آن که با حرکتی هر چند کوچک از جانب شما، قلب دردمند معلمان را کمی غمخوار شوید، هر بار دشنه را در قلب شان فروتر می برید!

با مسکوت کردن لایحه رتبه بندی و هر بار وعده صدور احکام از ماهی به ماه دیگر و بازداشت و زندان های پایان ناپذیرتان بسان بیدادگری می مانید که از دور قاه قاه می زند که ببینید با معلمان مان چه کردیم!!! ببینید ما چقدر قدرت مندیم! ببینید چگونه دربندشان کردیم بدون آن که به خواسته هایشان وقعی بگذاریم!!!

اما حاشا که تعریف تان از قدرت غلط است! حاشا که معلمان تان را نشناخته اید!

حاشا که نمی دانید چیدمان مهره های قدرت پایدار نمی ماند! حاشا که قدرت قلم را نشناخته اید!

کانون صنفی معلمان استان بوشهر

بازداشت #ایرج_رهنما در محل کار خود را چونان بازداشت های غیر قانونی قبلی معلمانی محکوم نموده و با توجه به فشارهای فراوان جهت اعتراف، به بازجویی های غیر قانونی نیروهای امنیتی بر اسکندر لطفی و اعتصاب غذای ایشان، نسبت به عواقب آن هشدار داده و اعلام میکند که مسئولیت آن بر عهده نهادهای امنیتی و قوه قضاییه میباشد.

دوشنبه نهم خردادماه ۱۴۰۱

کانون صنفی معلمان استان بوشهر

[@kashowra](https://www.kashowra.com)

- نامه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران به معلم و سخنگوی بازداشتی شورا اسکندر لطفی:

بنام خداوند جان و خرد

جناب آقای اسکندر لطفی سخنگوی شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران با درود و آرزوی تندرستی جنابعالی.

بیش از یک ماه است که حضرتعالی و آقایان مسعود نیکخواه، شعبان محمدی و رسول بدایقی با اتهامی ناروا که به هیچ وجه مورد قبول جامعه معلمان نیست بازداشت شده اید.

در سناریوی کذایی صدا و سیما که از طرف دستگاههای اطلاعاتی طراحی شده، تهمت های ناروایی به شما زده اند که هیچ کس در مضحک بودنش لحظه ای درنگ نمیکند.

غیر از شما عزیزان معلمان سرافراز دیگری چون جعفر ابراهیمی بازرس محترم شورا ی هماهنگی و محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران به همراه تعداد زیادی از کنشگران صنفی شیراز و شهرهای دیگر در تجمع ۱۱ و ۲۲ اردیبهشت بی هیچ دلیل قانونی بازداشت شدند که تعدادی از آن عزیزان تاکنون در زندان به سر می برند.

حضرتعالی در اعتراض به فشارهای امنیتی جهت اعتراف گیری، سه روز است که دست به اعتصاب غذای خشک زده اید. از آنجا که این نحوه از اعتصاب غذا در زمانی کوتاه بسیار خطر آفرین می شود، این خبر موجب نگرانی شدید خانواده و خیل عظیمی از دوستان و همکاران و کنشگران صنفی گشته است. خواهشمندیم که جهت حفظ سلامتی خویش و آرامش دستداران خود دست کم با تبدیل اعتصاب خشک به تر و نوشیدن آب و دارو، از نگرانی بسیار خانواده و همکاران خود بکاهید.

جناب آقای لطفی:

صدای اعتراض شما به همه ی حق طلبان عدالت طلب و به قانون شکنان پروژه ساز رسیده آنچه اکنون بیش از همه نگران کننده است وضعیت خطرناک اعتصاب غذای خشک شماست.

بی شک تشکلهای صنفی فرهنگیان کشور و جامعه کنشگران صنفی و مدنی، تا آزادی شما پشتیبان و حامی محکم شما خواهند بود و هرگونه اتفاق ناگواری که برای شما همکار بی گناه ما بیفتد مسئول مستقیم آن دستگاه اطلاعاتی و قضایی کشور خواهد بود. امید که با درخواست شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران موافقت نمایید.

بدیهی است مقاومت و ایستادگی حضرتعالی، نام بلند و حق جوی شما را در پیشگاه تاریخ و معلمان سرافراز و حق طلب ایران بیش از پیش طنین انداز خواهد کرد.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

۱۱ خرداد ۱۴۰۱

- نامه ی شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران به آموزش بین الملل:

اسکندر (سوران) لطفی، عضو انجمن صنفی معلمان استان کردستان، مریوان و سخنگوی شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان ایران، از ۱۰ خرداد ۱۴۰۱ دست به اعتصاب غذای خشک زد.

اسکندر که از یازده اردیبهشت در بازداشت می باشد، از طریق تماسی تلفنی با خانواده ی خود اعلام کرد که دست به اعتصاب غذای خشک زده است. نیز اسکندر لطفی به خانواده اش اطلاع داد که تحت فشارهای شدید و فزاینده ای برای اعتراف اجباری برای پذیرش اتهامات واهی به سر می برد.

اسکندر لطفی در این تماس تلفنی اعلام کرد که در اعتراض به این فشارهای مذبحخانه و بازداشت غیرقانونی خود که بیش از یک ماه از آن می گذرد، چاره ای جز اعتصاب غذای خشک برایش باقی نمانده است. همچنین قابل ذکر است که تماس تلفنی اسکندر زمانی توسط بازجویان وی قطع شد که او قصد داشت موضوع مهم دیگری را به خانواده خود اطلاع دهد.

وضعیت سلامتی اسکندر پیش از این تصمیم مصمم برای اعتصاب غذای خشک، بسیار وخیم بود و در این مرحله جان اسکندر به طور جدی در خطر است و دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی ایران مسئول سلامت و جان اسکندر است.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان ایران، فشارهای ظالمانه و اتهامات واهی علیه فعالان صنفی معلمان از جمله اسکندر لطفی، رسول بدافی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه را به شدت محکوم می کند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط این افراد همچنین دیگر فعالان صنفی بازداشت شده از جمله: مژگان باقری، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، اصغرامیرزادگان، محمد عالیشوندی، محمدعلی زحمتکش، عبدالرزاق امیری، مهرداد یغمایی، حمید عباسی، غلامرضا غلامی کندازی، هادی صادق زاده، ایرج رهنما، مجید کریمی، مسعود فرهیخته و همچنین مختومه کردن هر چه سریعتر پرونده های باز شده برای ایرج انصاری، وحید گودرزی و صلاح آزادی می باشد.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

10 خرداد 1401

@kashowra

حمایت های بین المللی

- فراخوان یک گردهمایی برای همبستگی با سندیکالیست ها و معلمان در ایران:

میدان ملل، ژنو، جمعه ۱۰ ژوئن 2022

به مناسبت کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار، ما تشکلات سندیکایی امضا کننده این فراخوان، همه را به شرکت در یک تظاهرات ایستاده در روز جمعه ۱۰ ژوئن 2022 در مقابل مقر سازمان ملل متحد در ژنو فرا می خوانیم.

از این طریق این سازمان ها اعتراض خود را نسبت به اقدامات سرکوبگرانه اخیر مقامات جمهوری اسلامی ایران به گوش همگان می رساند.

در روزهای اخیر موج عملیات سرکوب گسترده ای علیه کارگران، معلمان و سایر مزدبگیران به راه افتاده است. یک سلسله دستگیری ها، احظارها و بازداشت ها به اتهامات کاملاً واهی و ساختگی به وقوع پیوسته اند.

جمهوری اسلامی ایران از تصویب بسیاری از متون اساسی سازمان جهانی کار، از جمله متون مربوط به آزادی تشکیل اتحادیه های کارگری، حمایت از حقوق سندیکایی و مذاکرات جمعی (کنوانسیون های 87 و 98) خودداری کرده است.

به هر حال، این دولت رسماً عضو این سازمان است و این که برخلاف استانداردها و تصمیمات این نهاد عمل می کند به هیچ وجه قابل توجیه نیست.

از سوی دیگر ایران دو میثاق بین المللی حافظ عمدتاً حق تشکیل اتحادیه‌های کارگری، پیوستن به اتحادیه‌ها و ملاقات با اتحادیه‌های کارگری کشورهای دیگر را امضا کرده است:

- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) ماده ۲۲؛

- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (PIDESC/ICESCR)، ماده ۸.

با وجود این، دولت ایران ده‌ها نفر را که در چارچوب این دو متن امضا شده توسط دولت ایران، عمل می‌کنند، سرکوب می‌کند

برای حمایت از سندیکالیست‌های و معلمان دستگیر شده و در جهت آزادی فوری آن‌ها ما تظاهرات ایستاده‌ای ترتیب می‌دهیم.

جمعه ۱۰ ژوئن ۲۰۲۲ از ساعت ۱۲ صبح در مقابل کاخ ملل در ژنو

کنفدراسیون عمومی کار (CGT) - فرانسه

اتحادیه اتحادیه‌های کارگری (FSU) - فرانسه

اتحادیه کارگری همبستگی (Solidaires) - فرانسه

اتحادیه ملی اتحادیه‌های کارگری خودمختار (UNSA) - فرانسه

با حمایت

سندیکای ژنو (CGAS) - سوئیس

سندیکای خدمات عمومی ژنو (SSP) - سوئیس

چاره زحمت‌کشان وحدت و تشکیلات

#سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

t.me/vahedsyndica

[@pvsyndica](https://twitter.com/pvsyndica)

- سندیکای «نیروی کارگری» فرانسه، برای آزادی دو عضو زندانی خود در ایران مبارزه می‌کند:



سندیکای اف او (FO) "نیروی کارگری" فرانسه عزم خود را برای آزاد کردن دو عضو زندانی خود در ایران جزم کرده است

رهبر سندیکای فرانسوی "نیروی کارگری" FO در بیست و پنجمین کنگره این سندیکا در شهر "روآن" گفت که دو عضو این سندیکا، "سیسیل کولر" و همسر وی "ژاک پاری"، به اتهامات بی اساس توسط جمهوری اسلامی ایران به گروگان گرفته شده اند و هفته هاست که این سندیکا عزم خود را برای آزاد کردن آنان از زندان جمهوری اسلامی ایران جزم کرده است.

رهبر سندیکای FO "نیروی کارگری" تصریح کرده است که ناتالی کولر و همسرش همزمان با تعطیلات "عید پاک" به ایران سفر کرده بودند و مقامات این کشور به طرز ناعادلانه ای آنان را دستگیر و زندانی کرده اند. "ابو ورییر" دلایل اعلام شده از سوی رژیم جمهوری اسلامی ایران را برای توجیه دستگیری و بازداشت آنان را کاملاً بی اساس خوانده است. "ناتالی کولر" مسئول سندیکای معلمان در سندیکای "نیروی کارگری" است .

جمهوری اسلامی ایران او و همسرش را به برانگیختن آشوب و بی ثباتی در این کشور متهم و دستگیر کرده است. "بنژمن بیریر"، یک جهانگرد دیگر فرانسوی است که از بیش از دو سال پیش به اتهام جاسوسی در ایران دستگیر و زندانی شده است. مقامات غربی معتقدند که جمهوری اسلامی ایران از زندانیان یا گروگان های غربی جهت اعمال فشار در مذاکرات وین و یا تعدیل تحریم های بین المللی علیه تهران استفاده می کند.

رادیو فرانس. ار اف ای

- آموزش بین الملل: فعالان سندیکایی و معلمان فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند :



آموزش بین الملل، فدراسیون جهانی معلمان، دستگیری فعالین تشکلهای صنفی معلمان در ایران را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان است.

سرکوب هدفمند علیه معلمانی که از دانش آموزان، جامعه و حقوق خود به عنوان فعالین اتحادیه های صنفی دفاع می کنند، باید پایان یابد.

ما دستگیری های غیرقابل توجیه ده ها معلم در شهرهای مختلف در روز اول ماه مه را محکوم می کنیم، روزی که برای تجلیل و گرامیدشت کارگران در سراسر جهان است. ما همچنین خواستار توقف بازداشت و آزار و اذیت کسانی هستیم که به طور مسالمت آمیز از آزادی همکاران خود دفاع می کنند.

مقامات مستاصلانه تلاش میکنند تا اعتراضات مسالمت آمیز اتحادیه های صنفی کارگری را بر سر دستمزدهای پایین معلمان، بودجه ناکافی آموزش و زندانی کردن معلمان سندیکایی متوقف کنند.

این دستگیری ها و بازداشت ها نقض آزادی تشکل، حق تشکل و آزادی بیان است.

ما خواستار آزادی و رعایت کامل حقوق انسانی فعالین بازداشت شده هستیم:

اسکندر لطفی (کانون صنفی معلمان مریوان و سخنگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران)؛
رسول بدایق (کانون صنفی معلمان اسلامشهر و نماینده کانون صنفی در شورای هماهنگی)؛

محمد حبیبی (سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران)؛

جعفر ابراهیمی (کانون صنفی معلمان تهران، بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران)؛

علی اکبر باغانی (عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان تهران)؛

محسن عمرانی (کانون صنفی معلمان بوشهر)؛

محمود ملاکی (کانون صنفی معلمان بوشهر)؛

رضا امانی فر (کانون صنفی معلمان بوشهر)؛

اصغر حاجب (کانون صنفی معلمان بوشهر)؛

هادی صادق زاده (کانون صنفی معلمان مشهد)؛

شعبان محمدی، (کانون صنفی معلمان مریوان) در ۱۱ مه ۲۰۲۲ بازداشت شد؛

مسعود نیکخواه (کانون صنفی معلمان مریوان)

ما همچنین فراخوان اتحادیه‌های آموزش و پرورش در سراسر جهان را برای آزادی اسماعیل عبدی، که در حبس به سر می‌برد و از اول ماه مه اعتصاب غذا را آغاز کرده است، یکبار دیگر تکرار می‌کنیم. او تا سال ۲۰۳۱ به اتهامات واهی محکوم به حبس است. حبس طولانی مدت و بدرفتاری در زندان سلامت او را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. خانواده اسماعیل (همسر، دو دختر و پسر وی) توسط نیروهای امنیتی مورد اذیت بوده اند و قربانی این وضعیت شده اند و در شرایط ناامنی قرار دارند.

آموزش بین‌الملل از دولت ایران می‌خواهد:

بدون قید و شرط تمام اتهامات علیه فعالین سندیکایی زندانی و مدافعان حقوق انسانی در ایران را لغو کند.

به حقوق معلمان و کارکنان آموزش و پرورش برای سازماندهی و آزادی تشکل و آزادی بیان از جمله حق تجمع مسالمت آمیز بدون ترس از مداخله مقامات احترام گذاشته و این حقوق را رعایت کند.

گفتگو با تشکل های نماینده معلمان و کارکنان آموزش و پرورش در مورد مسائل مربوط به سیاست آموزشی و معلمان را نهادینه کند.

به حقوق و حریم خصوصی اعضای خانواده رهبران و فعالین زندانی احترام گذاشته و امنیت و سلامتی آنها را تضمین کند.

لینک به بیانیه آموزش بین الملل به زبان انگلیسی:

<https://www.ei-ie.org/en/item/26486:statement-teachers-and-trade-unionists-in-iran-must-be-immediately-and-unconditionally-released>

- نامه سندیکاهای کارگری فرانسه خانم وزیر امور خارجه پاریس:

۲۳ مه ۲۰۲۲

ما تشکلات سندیکایی می‌خواهیم توجه شما را به دستگیری اخیر ده‌ها فعال سندیکایی در ایران جلب کنیم. یگانه «جرم» دستگیرشدگان تلاش برای ایجاد ساختارهای سندیکایی مستقل از دولت در ایران است.

رضا شهبابی از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز جزو دستگیرشدگان است. جمع چندسندیکایی ما او را چندین بار به فرانسه دعوت کرده است.

در میان کسانی که نامشان تا ۲۳ مه به اطلاع ما رسیده است، زنان و مردان زیر به چشم می‌خورند: آنیشا اسداللهی، ریحانه انصاری‌نژاد، کیوان مهندی، رسول بدای، جعفر ابراهیمی، اسکندر لطفی، محمد حبیبی، محسن عمرانی، شعبان محمدی، مسعود نیکخواه، محمود ملاکی، رضا امانی‌فر، اصغر حاجب و هادی صادق‌زاده.

برخی از دستگیرشدگان را به دادگاه احضار کرده‌اند. چندین معلم زن و مرد در میان آنان به چشم می‌خورند.

ما بر این باوریم که کشورمان باید خواستار آزادی سندیکالیست‌های محبوس شود.

ما از شما می‌خواهیم که هر آن چه در توان دارید به کار بندید تا به مسئولان ایران فشار آورده شود، به طوری که آنان نژم‌های بین‌المللی از جمله حقوق کار و حقوق انسانی را رعایت کنند.

خانم و آقایان احترامات فائقه ما را بپذیرید.

کنفدراسیون عمومی کار (CGT)

فدراسیون سندیکایی متحد (FSU)

اتحاد سندیکایی همبستگی

اتحاد ملی سندیکاهای خودگردان (UNSA)

چهارشنبه چهارم خرداد ۱۴۰۱

- اعلام همبستگی کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اسپانیا با فعالین کارگری، معلمان، و مدافعان حقوق شهروندی در ایران

بزرگترین کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اسپانیا موسوم به "کمیسون های کارگران" با بیش از یک میلیون عضو با انتشار بیانییه ای همبستگی خود را با معلمان و کارگران و فعالین بازداشت شده در روزهای اخیر در ایران اعلام کرد :

در این بیانییه به تاریخ ۶ خرداد ۱۴۰۱ آمده است :

کمیسون های کارگری خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط فعالان کارگری و معلمان زندانی در ایران در روزهای اخیر شد.

مبارزات طبقه کارگر در ایران برای زندگی انسانی، حق آزادی بیان و دستیابی به ابتدایی ترین حقوق پایمال شده، نه تنها در طول همه گیری کووید۱۹ - کاهش نیافته است، بلکه ابعاد گسترده تری پیدا کرده است. اعتراضات سراسری معلمان برای حق آموزش عمومی رایگان و حق تشکل، دستمزد بالای خط فقر و آزادی معلمان زندانی در سراسر کشور با حمایت دانش آموزان و کل جامعه هرگز متوقف نشده است.

اما در روزهای اخیر موج دستگیری فعالان سندیکایی، معلمان، مدافعان حقوق شهروندی و هنرمندان افزایش یافته است. با وجود سرکوب گسترده، دستگیری‌های متعدد و گزارش‌هایی مبنی بر کشته شدن تعدادی از مردم به دست پلیس و نیروهای امنیتی، اعتراضات سراسری در ایران توسط کارگران و ستمدیدگان، علیه تورم ویرانگر، فساد، غارت اموال عمومی، بی‌عدالتی‌های لجام گسیخته و نقض ابتدایی ترین حقوق انسانی در ایران در جریان است .

مقامات اطلاعاتی، قضایی و اجرایی حکومت که قادر به پاسخگویی انسانی و مسئولانه به مطالبات عادلانه طبقه کارگر و مردم محروم و تحت ستم ایران نیستند، به طور فزاینده ای به دنبال راه حل های همیشگی خود یعنی سرکوب، تعقیب، بازداشت، جعل، پرونده سازی اتهامات نخ نمای امنیت ملی، نشر و پخش اکاذیب، شایعات نادرست و بی اساس علیه کارگران و معلمان بازداشتی متوسل شده اند .

به همه این دلایل، ما به بیانییه های متعدد همبستگی بین المللی در کشورهای مختلف جهان با جنبش مستقل کارگری ایران و با تمام اقشار طبقه کارگر ایران می پیوندیم و اتهامات و توهین ها علیه اعضای اتحادیه های بخشهای مختلف طبقه کارگر، از جمله معلمان، را محکوم می کنیم .

ما خواستار آزادی فوری تمامی فعالان صنفی و معلمان بازداشت شده در روزهای اخیر از جمله رضا شهابی، آنیسا اسداللهی، ریحانه انصاری نژاد، کیوانو مهندی، حسن سعیدی و همچنین معلمان بازداشت شده در اول ماه مه مانند رسول بداقی، جعفر ابراهیمی، اسکندر لطفی، محمد حبیبی، محسن عمرانی، شعبان محمدی، مسعود نیکخواه، محمود ملکی، رضا امانی فر، اصغر حاجب، و هادی صادق زاده می باشیم .

آزادی تشکل، بیان، تجمع، اعتراض، اعتصاب و همبستگی طبقاتی و بین المللی برخی از شناخته شده ترین حقوق اتحادیه های کارگری و رهبران آنها است. این آزادی های اساسی مندرج در سازمان جهانی کار و سایر کنوانسیون های بین المللی برای جمهوری اسلامی ایران لازم الاجرا هستند. تداوم نقض این حقوق اساسی توسط دولت ایران تنها باعث تشدید انزجار عمومی نسبت به سرکوبگران می شود و ما مجدداً تاکید می کنیم که ایران باید از مقوله نامه ها و استانداردهای بین المللی سازمان جهانی کار که توسط این کشور تصویب شده است، پیروی کند.

باز تکثیر از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

<https://t.me/vahedsyndica>

لینک به متن اصلی به زبان اسپانیایی:

<https://bit.ly/3LSkGoC>

=====

خانم وزیر امور خارجه

پاریس، ۲۳ مه ۲۰۲۲



ما تشکلات سندیکایی کنفدراسیون عمومی کار (CGT) - فدراسیون سندیکایی متحد (FSU) - اتحاد سندیکایی همبستگی - اتحاد ملی سندیکاهای خودگردان (UNSA)، می‌خواهیم توجه شما را به دستگیری اخیر ده‌ها فعال سندیکایی در ایران جلب کنیم. یگانه «جرم» دستگیرشدگان تلاش برای ایجاد ساختارهای سندیکایی مستقل از دولت در ایران است.

رضا شهابی از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز جزو دستگیرشدگان است. جمع چندسندیکایی ما او را چندین بار به فرانسه دعوت کرده است.

در میان کسانی که نامشان تا ۲۳ مه به اطلاع ما رسیده است، زنان و مردان زیر به چشم می‌خورند: آنیسا اسداللهی، ریحانه انصاری‌نژاد، کیوان مهتدی، رسول بدافی، جعفر ابراهیمی، اسکندر لطفی، محمد حبیبی، محسن عمرانی، شعبان محمدی، مسعود نیکخواه، محمود ملاکی، رضا امانی‌فر، اصغر حاجب و هادی صادق‌زاده.

برخی از دستگیرشدگان را به دادگاه احضار کرده‌اند. چندین معلم زن و مرد در میان آنان به چشم می‌خورند.

ما بر این باوریم که کشورمان باید خواستار آزادی سندیکالیست‌های محبوس شود.

ما از شما می‌خواهیم که هر آن چه در توان دارید به کار بندید تا به مسئولان ایران فشار آورده شود، به طوری که آنان نژم‌های بین‌المللی از جمله حقوق کار و حقوق انسانی را رعایت کنند.

خانم و آقایان احترامات فائقه ما را بپذیرید.

کنفدراسیون عمومی کار (CGT)

فدراسیون سندیکایی متحد (FSU)

اتحاد سندیکایی همبستگی

اتحاد ملی سندیکاهای خودگردان (UNSA)

=====

- پیام همبستگی سندیکای راه آهن و حمل و نقل آلمان EVG با فعالین صنفی و سندیکالیست‌های زن و مرد که در زندان بسر میبرند:

در روز دهم ژوئن ۲۰۲۲ و بمناسبت صد و دهمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار در شهر ژنو، در اعتراض به دستگیری با فعالان سندیکایی زندانی در ایران و ابراز همبستگی با زنان و مردان دربند، تجمعی برگزار شد. سندیکای راه آهن و حمل و نقل آلمان نیز در این اقدام اعتراضی شرکت نمود و در پیامی همبستگی خود را اعلام نمودند.

در هفته‌های اخیر فعالین زن و مرد سندیکالیست باردیگر قربانی موج دستگیری‌های گسترده از جانب دستگاه‌های امنیتی قرار گرفته‌اند. اعتراضات مزدگیران در سراسر ایران بخاطر تورم فزاینده، فساد و زیر پا گذاشتن حقوق اولیه انسانی، علیرغم سرکوب و اختناق لجام گسیخته و موج وسیع دستگیری‌ها و به قتل رساندن معترضین همچنان ادامه دارد. نیروهای امنیتی، قضایی و ارگان‌های دولتی که قادر به برآورده کردن خواسته‌های معترضین و مزدگیران نیستند، هر چه بیشتر به روشهای سرکوب و پیگرد و دستگیری متوسل می‌شوند و فعالین زن و مرد سندیکالیست را با اتهامات واهی چون اقدام علیه امنیت ملی و سایر اتهامات ساختگی و بی پایه و اساس به زندان می‌اندازند.

رضا شهابی و حسن سعیدی دو عضو سندیکای شرکت واحد در این بین بخاطر فعالیت‌های سندیکایی خود دستگیر شده‌اند. وزارت اطلاعات ایران، این دو فعال سندیکایی را که چهره‌های بین‌المللی شناخته شده‌ای نیز میباشند را با پخش دو فیلم ساختگی، متهم به جاسوسی نموده است. این دو سندیکالیست بیش از یک ماه در زندان به سر میبرند و در این مدت تحت بازجویی‌های شدید و بیرحمانه فرار گرفته‌اند.

سندیکای راه آهن و حمل و نقل آلمان EVG به شدت هرگونه اتهام جعلی و ساختگی بر علیه فعالین سندیکایی را محکوم نموده و خواهان آزادی بی‌درنگ آن‌ها میباشند.

حق تشکل یابی، حق آزادی بیان، حق تجمع، اعتراض و اعتصاب و همچنین همبستگی بین‌المللی از حقوق به رسمیت شناخته سندیکاها و اتحادیه‌های صنفی میباشند.

این آزادی‌های بنیادی که در عهدنامه‌های سازمان جهانی کار ILO بر آن تأکید شده است، برای جمهوری اسلامی بعنوان یکی از اعضا این پیمان جهانی، لازم‌الاجرا میباشند.

ما خواستار :

- آزادی بی‌درنگ زندانیان دربند سندیکای شرکت واحد و سایر زنان و مردان فعال صنفی و سندیکایی
- حق آزادی اجتماعات برای تشکل‌های صنفی و سندیکاها و اعضای آن‌ها باید تأمین شود.
- در صورت زیر پا گذاشتن و پایمال کردن پیمان‌های مندرج در سازمان جهانی کار، جمهوری اسلامی ایران باید از هیئت مدیره این سازمان کنار گذاشته شود.

با دروهای همبستگی

مارتین بورکرت

جانشین دبیر اول سندیکای EVG

t.me/vahedsyndica

[@pvsyndica](https://www.instagram.com/pvsyndica)

- حمایت از رضا شهابی در کنگره سندیکای س اف د ت:



لوران برژه (در تصویر) ، دبیر کل سندیکای س اف د ت در کنگره در حال انجام این اتحادیه ، در تریبون ، خاطر نشان کرد که رضا شهبانی مهمان این کنگره بوده اما در زندان است. او خواستار آزادی بی قید و شرط او، حسن سعیدی و دیگر کارگران و معلمان زندانی ایران شد.

چاره زحمت کشان وحدت وتشکیلات

#سندیکای کارگران_شرکت_واحد_اتوبوسرانی_تهران_و_حومه

t.me/vahedsyndica

[@pvsyndica](https://www.instagram.com/pvsyndica)

- نامه ی اعتراضی آموزش بین الملل به آیت اله سیدعلی خامنه ای:

آموزش بین الملل در نامه ای اعتراضی به رهبر جمهوری اسلامی ایران، ضمن محکوم کردن دستگیری و حبس معلمان، خواهان آزادی فوری همه بازداشت شدگان شد.

عالی جناب آیت اله سید علی خامنه ای

رهبر جمهوری اسلامی ایران

E-mail: contact@leader.ir

info_leader@leader.ir

بروکسل، دوم ژوئن ۲۰۲۲

اعتراض نسبت به دستگیری و حبس خود سرانه معلمان در ایران

عالی جناب!

این نامه را به نمایندگی از سوی آموزش بین الملل (EI)، فدراسیون جهانی اتحادیه های بخش آموزش که ۳۲ میلیون کارگر آموزش و پرورش را در ۱۷۸ کشور و منطقه، از جمله ایران، نمایندگی می کند، به شما می نویسم تا به این وسیله دستگیری ده ها نفر از فعالین صنفی معلمان در اول ماه مه، که روز جهانی کارگران در سراسر جهان است را محکوم کنم. ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه دستگیر شدگان هستیم.

ده ها نفر از معلمان در شهرهای مختلف ایران به طور ناعادلانه و به دلیل فعالیت های مسالمت آمیز که مورد حمایت قوانین جهانی است، دستگیر و زندانی شده اند.

[@kashowranews](https://www.instagram.com/kashowranews)

- نگرانی کارشناسان سازمان ملل متحد از سرکوب جامعه مدنی ایران:

فث

کارشناسان سازمان ملل متحد در پی اعتراضات اخیر از شرایط بازداشت شدگان ابراز نگرانی کردند

۲۵ خرداد ۱۴۰۱



بیانیه ی مطبوعاتی

در روز ۲۵ خردادماه ۱۴۰۱ در ژنو، کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل از سرکوب و بازداشت های خشونت آمیز جامعه مدنی در ایران از جمله اعضای اتحادیه های کارگری و کانون های صنفی معلمان، که به دلیل اعتراض به پایین بودن حقوق و شرایط نامناسب شغلی، بازداشت شده اند، بطور جدی ابراز نگرانی کردند و خواستار اعمال و اجرای تحقیقات جامع و مستقل در این زمینه شدند.

این کارشناسان می گویند: "ما از تشدید اخیر دستگیری های خود سرانه ی معلمان، مدافعان حقوق کارگری، رهبران اتحادیه ها، وکلا، مدافعان حقوق بشر و دیگر فعالین جامعه ی مدنی نگران هستیم."

در سال گذشته کانون های صنفی معلمان ایران، چندین اعتراض سراسری را نسبت به دستمزد پایین، شرایط نامناسب شغلی، نبود آموزش رایگان و دستگیری معلمان، سازماندهی کرده اند. در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ به مناسبت روز جهانی کارگر و روز معلم در ایران، معلمان در سایر شهرهای ایران اعتراضاتی برگزار کردند که اتحادیه های کارگری از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز به آنها پیوستند.

پیش از اعتراضات تا ۵ خرداد ۱۴۰۱، بیش از ۸۰ معلم توسط نیروهای امنیتی یا قوه ی قضاییه دستگیر یا احضار شدند. نیز به خانه ی تعدادی از فعالین کارگری و معلمان یورش بردند و به هیچیک از معلمان بازداشتی اجازه ی داشتن وکیل داده نشده است. مقامات دولتی با انتشار بیانیه های مدعی شدند که این دستگیری ها به دلیل "نفوذ عناصر وابسته به خارج از کشور به صنف معلمان و کارگران بوده است که نظم و امنیت کشور را تهدید می کند". تلویزیون دولتی تصاویر چند تن از معلمان دستگیر شده و مدافعان حقوق کارگری را پخش و آنها را متهم به همکاری با "دشمنان متخاصم" نمود و اتحادیه های آنان را غیرقانونی نامید.

این کارشناسان می گویند: فضای جامعه ی مدنی و انجمن های مستقل برای انجام کار و فعالیت های قانونی خود بسیار محدود شده است. نمونه ی بارز آن، دستگیری فعالین مدنی و تصمیم اخیر دادگاه تجدیدنظر برای انحلال جامعه ی مدنی امداد دانشجویان امام علی است.

در ۵ خرداد ماه، دادگاه تجدیدنظر تصمیم به انحلال جامعه مدنی امداد دانشجویان امام علی بزرگترین سازمان غیردولتی کشور گرفت. این سازمان کارهای گسترده ای در زمینه ی فقرزدایی انجام داده بود. اقدام منحل نمودن جامعه مدنی امام علی از سوی وزارت کشور مطرح شد. این سرکوب همچنین شامل احضار چندین وکلای سرشناس بوده که برخی از آنها با اتهامات امنیت ملی مواجه شده اند.

در پی تصمیم دولت برای کاهش یارانه ی اقلام غذایی از آغاز اردیبهشت، در سراسر ایران اعتراضات بسیاری گسترش یافته است و دست کم پنج نفر از معترضین بر اثر سرکوب خشونت بار توسط نیروهای امنیتی کشته شده اند. علاوه بر این، در روز دوم خرداد ماه، پس از فرو ریختن یک ساختمان ده طبقه در آبادان که بیش از ۴۰ کشته و تعداد زیادی مفقود در پی داشت، که منجر به شروع اعتراضاتی در خوزستان شد. اعتراض کنندگان، مسئولین را به دلیل سهل

انگاری و فساد مالی در خصوص صدور مجوز ساخت این ساختمان، علیرغم توصیه های کارشناسی برای جلوگیری از آن، مقصر می دانند.

کارشناسان می گویند: "در نبود مجراهای معنادار مشارکت در ایران، اعتراضات مسالمت آمیز تنها ابزار باقی مانده برای افراد و گروهها، برای ابراز وجود و نیز در میان گذاشتن نارضایتی خود با مقامات است". آنان همچنین تصریح کردند که، "ما عمیقاً نگران هستیم چرا که اولین پاسخ مقامات، امنیتی کردن شرایط است که با سرکوب علیه اعتراض کنندگان انجام می گیرد. به نظر می رسد این همان سیاست فعال برای محافظت از مجرمان و ممانعت از پاسخگویی می باشد". این کارشناسان تاکید نمودند که سرکوب در بطن یک وضعیت اقتصادی بسیار وخیم، که خود مقامات به آن اذعان دارند، صورت می گیرد. "ما یادآوری می نمایم که وظیفه ی اصلی دولت، حفاظت و ترویج حقوق بشر؛ از جمله کاهش اثرات تحریم ها می باشد. ما از مسئولان می خواهیم که به دلایل اصلی اعتراضات رسیدگی نموده و قائل به حق آزادی بیان، تشکل یابی و تجمع مسالمت آمیز، که حقی همگانی است، باشند".

آیا نگران دنیایی هستید که در آن زندگی می کنیم؟

پس امروز برای حقوق دیگران مبارزه کنید.

چاره زحمت کشان وحدت و تشکیلات

[@pvsyndica](https://www.instagram.com/pvsyndica)

t.me/vahedsyndica

<https://www.instagram.com/vahedsyndica/>

<https://twitter.com/VahedSyndicate>

www.vahedsyndica.com

<http://www.standup4humanrights.org>

بازنشر از شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

لینک خبر:

<https://www.ohchr.org/en/press-releases/2022/06/iran-un-experts-alarmed-civil-society-crackdown>

=====

- آموزش بین الملل در نامه ای اعتراضی به رهبر جمهوری اسلامی ایران، ضمن محکوم کردن دستگیری و حبس معلمان، خواهان آزادی فوری همه بازداشت شدگان شد:

عالی جناب آیت اله سید علی خامنه ای

رهبر جمهوری اسلامی ایران

E-mail: contact@leader.ir

info_leader@leader.ir

بروکسل، دوم ژوئن ۲۰۲۲

اعتراض نسبت به دستگیری و حبس خود سرانه معلمان در ایران

عالی جناب!

این نامه را به نمایندگی از سوی آموزش بین الملل (EI)، فدراسیون جهانی اتحادیه های بخش آموزش که ۳۲ میلیون کارگر آموزش و پرورش را در ۱۷۸ کشور و منطقه، از جمله ایران، نمایندگی می کند، به شما می نویسم تا به این وسیله

دستگیری ده‌ها نفر از فعالین صنفی معلمان در اول ماه مه، که روز جهانی کارگران در سراسر جهان است را محکوم کنیم. ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه دستگیرشدگان هستیم.

ده‌ها نفر از معلمان در شهرهای مختلف ایران به‌طور ناعادلانه و به‌دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیز که مورد حمایت قوانین جهانی است، دستگیر و زندانی شده‌اند. سال‌هاست که معلمان ایران با صدای بلند مطالبات به‌حق خود را برای تحقق شرایط کاری شایسته و به رسمیت شناخته‌شدن حقوق اولیه خویش به عنوان کارگر و شهروند، اعلام کرده‌اند.

در همه جوامع، حق تجمع مسالمت‌آمیز و حق ایجاد تشکل از حقوق بنیادی به‌شمار می‌رود. دستگیری و بازداشت فعالان صنفی که از این حقوق استفاده می‌کنند، سوءاستفاده آشکار از قدرت است و به معنای نقض مقاله ۸۷ سازمان جهانی کار (ILO) مبنی بر آزادی ایجاد تشکل و حمایت از حق سازماندهی، و مقاله ۹۸ سازمان جهانی کار سازمان مبنی بر حق تشکل و انعقاد پیمان‌های دسته‌جمعی است. دولت ایران باید به مطالبات مردمی و مشروع از طریق گفتگو و سیاست‌گذاری پاسخ دهد و نه با توسل به سرکوب.

آموزش بین‌المللی (EI) به‌ویژه نگران دستگیری و زندانی کردن تعداد بسیار زیادی از نمایندگان کانون‌ها و انجمن‌های صنفی فرهنگیان در اقصی نقاط کشور است. آن‌ها معلمان دلسوزی هستند که به امر آموزش و بهروزی دانش‌آموزان و نسل‌های آینده‌ی ایران تعهد دارند.

این نمایندگان عبارتند از: جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، اسکندر لطفی، رسول بدایعی، اصغرامیرزادگان، محمد عالیشوندی، محمدعلی زحمتکش، عبدالرزاق امیری، مهرداد یغمایی، حمید عباسی، غلامرضا غلامی‌کنذازی، هادی صادق زاده، ایرج رهنما، مجید کریمی، مسعود فرهیخته، ایرج انصاری، وحید گودرزی، صلاح آزادی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه.

ما همچنین بار دیگر در خواست اتحادیه‌های بخش آموزش در سراسر جهان برای آزادی #اسماعیل_عبدی، دبیر سابق کانون صنفی معلمان تهران، که با اتهامات ساختگی تا سال ۲۰۳۱ به زندان محکوم شده‌است را این‌جا تکرار می‌کنیم. تحمل زندان طولانی مدت و بد رفتارهایی که در زندان با اسماعیل عبدی صورت گرفته، سلامتی ایشان و خانواده‌اش را به‌شدت تحت تاثیر قرار داده‌است.

آموزش بین‌المللی از دولت ایران می‌خواهد:

- همه‌ی فعالین اتحادیه‌های صنفی و مدافعان حقوق انسانی که در حبس هستند را بدون قید و شرط آزاد کند و همه اتهامات نسبت داده شده به آن‌ها را ملغی اعلام نماید.

- به حقوق معلمان و کارکنان بخش آموزش از جمله حق آن‌ها در آزادی برای ایجاد تشکل، حق برگزاری تجمع مسالمت‌آمیز و حق بر خورداری آزادی بیان، بدون ترس از مداخله‌ی مقامات حکومتی، احترام بگذارد و آن‌را رعایت کند.

- گفتگو با نمایندگان تشکل‌های معلمان و کارکنان بخش آموزش در مورد مسایل مربوط به سیاست‌های آموزشی و مسایل مربوط به معلمان را به امری نهادینه تبدیل کند.

- به حقوق و حریم خصوصی اعضای خانواده رهبران و فعالین زندانی احترام بگذارد و امنیت و سلامتی آن‌ها را تضمین کند.

آموزش بین‌المللی منتظر دخالت فوری شما در مورد این موضوع جدی می‌باشد. در عین حال، ما وقایع اخیر را به اطلاع سازمان جهانی کار و یونسکو خواهیم رساند و همچنان وضعیت فعالین صنفی معلمان را به‌دقت پیگیری خواهیم کرد.

با احترام،

دیوید ادواردز

دبیر کل آموزش بین‌المللی

بازنکثیر: شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

- نامه‌ی دکتر جو گریدی، دبیر کل اتحادیه‌ی دانشگاه‌ها و کالج‌های انگلیس (UCU) به مقامات ایران در محکومیت بازداشت فعالین صنفی معلمان به‌دلیل برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز:

پی‌نوشت:

اسامی همکاران زندانی که در این نامه ذکر شده‌است، به روز نیست، برخی از این همکاران با پرونده‌ی باز و با سپردن وثیقه، تا زمان برگزاری جلسه‌ی دادگاه، آزاد هستند. لازم به ذکر است که اسامی به‌روز شده‌ی معلمان زندانی برای سازمان جهانی معلمان (ej) ارسال شده است.

کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران:

□ نامه‌ی دکتر جو گریدی، دبیر کل اتحادیه‌ی دانشگاه‌ها و کالج‌های انگلیس (UCU) به مقامات ایران در محکومیت بازداشت فعالین صنفی معلمان به‌دلیل برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز

□ پی‌نوشت:

اسامی همکاران زندانی که در این نامه ذکر شده‌است، به روز نیست، برخی از این همکاران با پرونده‌ی باز و با سپردن وثیقه، تا زمان برگزاری جلسه‌ی دادگاه، آزاد هستند. لازم به ذکر است که اسامی به‌روز شده‌ی معلمان زندانی برای سازمان جهانی معلمان (ej) ارسال شده است.

□ نامه‌ی دکتر جو گریدی، دبیر کل اتحادیه‌ی دانشگاه‌ها و کالج‌های انگلیس (UCU) به مقامات ایران در محکومیت بازداشت فعالین صنفی معلمان به‌دلیل برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز

پی‌نوشت:

اسامی همکاران زندانی که در این نامه ذکر شده‌است، به روز نیست، برخی از این همکاران با پرونده‌ی باز و با سپردن وثیقه، تا زمان برگزاری جلسه‌ی دادگاه، آزاد هستند. لازم به ذکر است که اسامی به‌روز شده‌ی معلمان زندانی برای سازمان جهانی معلمان (ej) ارسال شده است.

@kashowra

@kashowranews

- نامه‌ی دبیر کل اتحادیه‌ی معلمان انگلیس به رهبر ایران

مجید کریمی، مسعود فرهیخته، ایرج انتصاری، وحید گوردزی، صلاح آزادی، شعیان محمدی و مسعود نیکخواه می باشد.
ما همچنین به درخواست مکرر اتحادیه‌های آموزش و پرورش در سراسر جهان برای آزادی اسماعیل عبدی، دبیر سابق کانون صنفی معلمان تهران که با اتهامات ساختگی تا سال ۱۳۴۴ محکوم به زندان شد، می‌پوشیم. حبس طولانی مدت و بدرفتاری با وی در بازداشت به شدت بر سلامت او و خانواده اش تأثیر گذاشته است.
اتحادیه دانشگاه ها و کالج های انگلیس (UCU) از دولت ایران می خواهد:

- همه معلمان زندانی به ویژه اسماعیل عبدی را بی قید و شرط آزاد کند
- که اتهامات فعالان کانون‌های صنفی و شورای هماهنگی تشکل‌های فرهنگیان ایران بازداشت شده را به دلیل مطالبات صنفی بی قید و شرط آزاد کرده و اتهامات آنان را مکتومه اعلام کند.
- که به حقوق و آزادی های معلمان و کارکنان آموزش و پرورش احترام گذاشته و فعالیت‌های صنفی معلمان را امنیتی نکرده و در فعالیت‌های آنها مداخله نکند.
- با نمایندگان تشکل‌های معلمان و کارکنان آموزش و پرورش خط و مشی گفتگو را در موضوعات مربوط به تعیین آموزش و معلمان نهادینه کند.
- حقوق و حریم خصوصی اعضای خانواده زندانیان و تامین امنیت و رفاه آنان را به رسمیت بشناسد

اتحادیه دانشگاه ها و کالج های انگلیس (UCU) مشتاقانه منتظر شنیدن مداخله سریع شما در این موضوع جدی است. در همین حال، ما همچنان وضعیت صنفی معلمان در ایران را بطور دقیق دنبال خواهیم کرد

ایراندن شما

دکتر جوگریدی
دبیر کل

عالیجناب، آیت الله سید علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی ایران
۲۲ ژئن ۲۰۲۲

موضوع: معلمان ایرانی زندانی را آزاد کنید

عالیجناب

من از طرف اتحادیه دانشگاه ها و کالج های انگلیس (UCU) برای شما می نویسم تا دستگیری اخیر ده ها معلم عضو کانون های صنفی و شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران را به دلیل انجام فعالیت های مسالمت آمیز تحت پوشش قوانین بین المللی، محکوم می‌کنم. ما خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها هستیم.

معلمان ایرانی سال‌هاست که مطالبات برحق خود را برای شرایط مناسب کار و به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های بنیادین به عنوان کارگر و شهروند فریاد می زنند.

تشکلیابی و حق تجمع مسالمت آمیز بخشی از حقوق بنیادین همه جوامع است. دستگیری و بازداشت فعالان اتحادیه‌ای که از این حقوق استفاده می‌کنند، سوء استفاده آشکار از قدرت و نقض کنوانسیون ۸۷ سازمان بین‌المللی کار درباره آزادی تشکل‌ها و حمایت از حق تشکل و کنوانسیون ۹۸ درباره حق سازماندهی و قراردادهای جمعی است. حکومت ایران باید مطالبات قانونی مردمی را از طریق گفتگو و دیپلماسی حل کند نه از طریق سرکوب.

در روز اول ماه مه، روزی که قرار است کارگران در سراسر جهان جشن بگیرند، دهها معلم به‌طور غیرقانونی در شهرهای مختلف دستگیر شدند و این دستگیریها همچنان ادامه دارد. در ۱۶ ژوئن، مقامات ایران مجدداً تجمعات مسالمت آمیز معلمان را سرکوب کرده و تعداد زیادی معلم را دستگیر کرده‌اند. اتحادیه دانشگاه‌ها و کالج‌های انگلیس (UCU) به ویژه نگران دستگیر شدن و بازداشت‌های اخیر بسیاری از نمایندگان تشکل‌های صنفی فرهنگیان در سراسر کشور است. اینها معلمانی متعهد به آموزش و رفاه دانش آموزان و نسل آینده ایرانیان هستند. اسامی دستگیر شدگان شامل جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، اسکندر لطفی، رسول بداغی، اصغر امیرزادگان، محمد عالیشوندی، محمدعلی زحمتکش، عبدالرزاق امیری، مهرداد یغمای، حمید عباسی، غلامرضا غلامی‌کندازی، هادی صادقیزاده ایرج رهنما،

دبیرکل مرکز آموزشی هیلسکورت، رز هیل دکنتر پاتریک راوچ، رندال بیرمنگام

آیت الله سیدعلی خامنه ای، دفترمقام معظم رهبری تهران، منطقه 11 استان تهران، ایران

مقام معظم رهبری گرامی

من به نمایندگی از طرف NASUWT اتحادیه‌ی معلمان انگلیس، در خصوص سرکوب فعالین تشکل های صنفی معلمان، با شما مکاتبه می‌کنم.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، به شکل فعالی در رابطه با موضوعاتی که اعضای آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد، از جمله حقوق کم، شرایط بازنشستگی بسیار نامناسب، خصوصی سازی و کالایی سازی آموزش اعتراض و اطلاع رسانی کرده است.

حکومت ایران به جای پاسخ دادن به این خواسته‌های مشروع و قانونی، به تعقیب و بازداشت معلمان فعال می‌پردازد. تعداد زیادی از معلمان فعال در زندان هستند؛ از جمله #اسماعیل_عبدی که به شکل ظالمانه‌ی بیش از ۷ سال است در زندان به سر می‌برد. ما خواهان آزادی بی قید و شرط همه‌ی معلمان زندانی، به ویژه #اسماعیل_عبدی، هستیم.

در طول شش ماه پیش صدها معلم دیگر در سرتاسر کشور توسط نهادهای امنیتی احضار و بازجویی شده‌اند و تعداد زیادی از آن‌ها به شکل غیرقانونی و حتی بدون تفهیم اتهام بازداشت و زندانی شده‌اند. این معلمین مرتکب هیچ جرمی نشده‌اند و تداوم بازداشت آن‌ها، معنا و هدف دیگری بجز ارباب و ترساندن دیگر معلمین برای دست کشیدن از تداوم اعتراضات قانونی و برحق خود در راستای تشکل یابی و مطالبه حقوق قانونی آنها، ندارد.

من مصرانه از شما می‌خواهم که به برخوردهای سرکوبگرانه با معلمان و فعالین اتحادیه‌های کارگری پایان دهید و شرایط آزادی بی قید و شرط همه‌ی معلمین زندانی را فراهم سازید.

من منتظر پاسخ شما هستم.

با احترام

دبیر کل، دکتر پاتریک راوچ

بازنشر: شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

۲۹ خرداد ۱۴۰۱

<https://bit.ly/3n17Xpy>

t.me/vahedsyndica

[@pvsyndica](https://www.instagram.com/stories/vahedsyndica)

<https://instagram.com/stories/vahedsyndica>

www.vahedsyndica.com

نامه ی دبیر کل اتحادیه ی معلمان انگلیس به رهبر ایران

Date: 17 June 2022.

Our Ref: 220617/Khamenei.S/PFC/W

Ayatollah Sayed Ali Khamenei
Office of the Supreme Leader
Tehran, District 11
Tehran Province,
Iran

Email: contact@leader.ir

NASUWT
The Teachers' Union

Hillsdon Education Centre
Rose Hill
Rusholme
Birmingham
B6 7RS
Telephone: 0121 453 6150
E-mail: nasuwet@mail.nasuwet.org.uk
Website: www.nasuwet.org.uk

Dear Supreme Leader,

Repression of teacher trade unionists

I write on behalf of the NASUWT, The Teachers' Union in the United Kingdom.

The Coordinating Council of Iranian Teachers' Trade Associations (CCITTA) has actively campaigned on issues affecting their members including on low salaries, poor pensions and the privatisation, and marketisation of education.

Rather than seeking to address these legitimate concerns, the Iranian Government has instead prosecuted a campaign of persecution of teacher activists. Many teacher activists have been imprisoned, while Esmail Abdi has now been cruelly confined for more than seven years. We demand the unconditional release of all detained teachers, especially Esmail Abdi.

Hundreds more teachers across the country have been summoned for interrogation by security agencies over the past six months and many subjected to non-custodial sentences.

These teachers have not committed any crime and their continued detention, in addition to spreading fears, seems aimed to deter teachers from their legitimate demands and exercising their internationally recognised right to organise and to freedom of opinion and expression.

I urge you in the strongest terms to cease the continuous repressive treatment of teacher activists and trade unionists and to arrange the immediate and unconditional release of all imprisoned teacher activists.

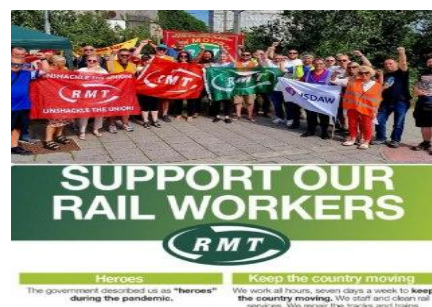
I look forward to your response.

Yours sincerely,


Dr Patrick Roach
General Secretary

آیت الله سیدعلی خامنه ای، دفتر مقام معظم رهبری تهران، منطقه 11 استان تهران، ایران مقام معظم رهبری گرامی من به نمایندگی از طرف NASUWT اتحادیه ی معلمان انگلیس، در خصوص سرکوب ...

- در همبستگی با کارگران اعتصابی در بخش حمل و نقل بریتانیا:



بریتانیا با بزرگترین اعتصاب در بخش حمل و نقل ریلی در یک نسل مواجه است. 50000 کارگر راه آهن از اتحادیه های RMT و Unite the Union در اعتراض به کاهش ویرانگر مشاغل، شرایط کاری، خدمات و حقوق بازنشستگی به صفهای اعتصاب پیوسته اند.

این اولین اقدام از 3 روز اعتصاب برنامه ریزی شده (در روزهای 21، 23 و 25 ژوئن) علیه برنامه های شرکت های خصوصی در بخش راه آهن برای حمله به شرایط استخدام کارگران و اخراج هزاران نفر از کارکنان ایمنی در سراسر خدمات ریلی ملی و متروی لندن بود.

در این رابطه کازاری جهانی از سوی فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل فراخوان داده شده است. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، به عنوان عضو فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل طی نامه ای به مقامات مربوطه، از جمله وزیر حمل و نقل بریتانیا، همبستگی خود را با کارگران حمل و نقل بریتانیا و سندیکاهای آنها که برای حفاظت از خدمات ریلی و پروژه‌های زیرساختی، توسعه و ترویج حمل و نقل عمومی، از جمله راه آهن، و علیه کاهش مشاغل، انجماد دستمزدها و حمله به شرایط کار و حقوق بازنشستگی شان مبارزه می‌کنند، اعلام نمود.

اتحادیه های کارگری بریتانیا از جمله در بخش حمل و نقل، همچون آر ام تی، در گذشته بارها از سندیکای کارگران شرکت واحد و کارگران بخشهای مختلف در ایران حمایت کرده اند. ما نیز در این مبارزه برای امنیت شغلی و حقوق کارگران حمل و نقل بریتانیا در کنارشان هستیم. همبستگی کارگران مرز نمی شناسد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه #

[@pvsyndica](https://www.instagram.com/pvsyndica)

[t.me/vahedsyndica](https://www.instagram.com/vahedsyndica)

<https://www.instagram.com/vahedsyndica/>

<https://twitter.com/VahedSyndicate>

www.vahedsyndica.com

<http://www.standup4humanrights.org>

- بیانیه فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF) در حمایت از دو عضو بازداشتی سندیکای کارگران شرکت واحد و معلمان که در سناریو سازی جدید با اتهامات واهی بازداشت شده اند.

فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل: ایران باید فعالان اتحادیه ای را از یوغ شکنجه های وصف ناپذیر آزاد کند

۷ تیر ۱۴۰۱

فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل طی بیانیه ای اعتراضی به تاریخ ۷ تیر ۱۴۰۱ خواهان آزادی فوری رضا شهابی، حسن سعیدی و دیگر کارگران و معلمان و فعالان بازداشتی از روز جهانی کارگر به این سوی شده است.

در بیانیه فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل آمده است: "رضا شهابی، رهبر سندیکایی در ایران، بدنبال تظاهرات های روز جهانی کارگر، بار دیگر در زندان، تحت شکنجه، محرومیت از دسترسی به امکانات پزشکی و در اعتصاب غذا به سر می برد. فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل به طیف گسترده ای از تشکل هایی می پیوندد که دستگیری و رفتار وحشیانه با او توسط یک حکومت مستبد، که صرفاً به دلیل فعالیتهای قانونی صنفی بر او تحمیل شده است، را محکوم کرده اند."

استفان کاتن، دبیرکل آی تی اف، در این بیانیه اعلام کرده است که آنها مطلع هستند رضا شهابی در زندان اوین به سر می برد و بر اثر ضرب و شتم، مربوط به زندانهای متعدد، از کمردرد شدید و گردن رنج می برد. او همچنین یک بیماری مزمن قلبی دارد. او در حال حاضر در اعتراض در اعتصاب غذا است و بنابراین می توان انتظار داشت که وضعیت او به طور مداوم بدتر شود.

دبیر کل فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل ادامه میدهد: "با این وجود آنها به شکنجه او ادامه میدهند. وضعیت فراتر از افتضاح است. ایران حتی ابتدایی ترین حقوق انسانی این مرد و بسیاری از مردم را زیر پا می گذارد. ما خواستار انتقال فوری رضا شهابی به بیمارستان و توقف حبس و شکنجه وی هستیم."

فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل همچنین تاکید کرد که رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، که از اعضای فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل است، می باشد. او و تعداد کثیری از فعالان صنفی در دنباله اعتصابات و اعتراضات به دستمزدهای پایین و پرداخت نشده دستگیر شد. معلمان، کارگران

و فعالان اجتماعی زیادی و همچنین ۱۱ کارگر اتوبوسرانی تهران در این مدت دستگیر شدند. "حسن سعیدی، یکی از اعضای سرشناس سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران در ۲۸ اردیبهشت بازداشت شد و شهابی در ۲۲ اردیبهشت. خانواده‌های فعالان کارگری و معلمی که در حال حاضر در زندان اوین محبوس هستند، از دسترسی به عزیزان خود محروم شده‌اند."

آی تی اف همچنین گزارش میدهد که رضا شهابی "در سال ۲۰۱۰ به دلیل اعتراضات مشروع توسط دولت ایران زندانی شد. او در سال ۲۰۱۴ به دلیل کمردرد شدید، اختلال در عملکرد کبد و کلیه و مشکلات قلبی که همگی مربوط به شکنجه او در زندان بود در بیمارستان بستری شد. در سال ۲۰۱۷، او دوباره دستگیر شد و در مارس ۲۰۱۸ آزاد شد."

استفان کاتن در عین حال تاکید کرد: "رضا شهابی فقط یک مورد از آزار و اذیت طولانی مدت رهبران اتحادیه های صنفی کارگری توسط دولت ایران است. «ایران علیرغم تصویب کنوانسیون های سازمان جهانی کار، بارها و بارها زیر پا گذاشتن کامل این حقوق اولیه را نشان داده است. حکومت حق آزاده تشکل، آزادی بیان، گردهمایی، اعتراض و اعتصاب را که همه در کنوانسیون های سازمان جهانی کار گنجانده شده اند، انکار می کند."

آی تی اف ادامه میدهد: "اعتراضات کارگری به دلیل اقتصاد در حال فروپاشی ایران آغاز شده اند، جایی که هزینه های زندگی به طور چشمگیری افزایش یافته است، اما دستمزدها پایین مانده اند. در برخی موارد کارگران اصلا حقوق دریافت نکرده اند. واکنش اقتدارگرایانه به اعتراضات در ایران غیرعادی نیست، اما به نظر میرسد این بار بویژه وحشیانه تر بوده است، احتمالاً به این دلیل که حکومت برای کنترل وضعیت اقتصادی در تقلا به سر می برد." در پایان بیانیه، فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، ضمن تاکید بر اینکه دولت ایران نمی تواند با سرکوب کارگران مشکلات خود را حل کند، اعلام نمود: "ما از دولت ایران می خواهیم که فوراً و بدون قید و شرط تمامی کارگران اتوبوسرانی، معلمان، فعالان کارگری و حقوق بشری را که برخلاف حقوق انسانی خود در زندان به سر می برند، آزاد کند. ایران باید به سرکوب کارگران و فعالین صنفی پایان دهد و به حقوق آنها احترام بگذارد."

چاره زحمت کشان وحدت وتشکیلات

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
@pvsyndica
t.me/vahedsyndica

سایت روز شمار جنبش کارگری ایران
[/http://karegari.com](http://karegari.com)